

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۱۲۱

شنبه ۲ فروردین ۱۴۰۴، ۲۲ مارس ۲۰۲۵

سالی که "فولاد آب دیده تر می شود"

میلاد رباعی

زندگی، طبیعت و جامعه همواره شاهد نبردی ناگزیر هستند. جدال عامل نو، پیشرو و پیش برنده در مقابل امر کهنه، روبه مرگ و ارتجاعی. یکی از نشانه‌های سمبلیک این روند در طبیعت همین گردش فصول است، آغاز بهار تازه و نویدبخش از دل زمستان سرد و منجمد و افسرده.

جامعه بشری نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست. علاوه بر اینکه در عرصه جامعه اراده و نیروی انسان‌های زنده نیز دخیل است. در دل جامعه همواره نبردی میان عوامل ترقی خواه و پیشرو و آزادی خواه با دشمنان زندگی و شادی و رهایی در جریان است. این نبرد گاهی خاموش و در اعماق جامعه در جریان است و گاهی مانند آنچه امروز در ایران می گذرد عیان و آشکار است.

در سالی که گذشت شاهد بخش مهمی از نبرد حق طلبانه مردم با نگهبانان جهل و تاریکی و خرافه بودیم. سالی پر از فراز و نشیب با صحنه‌های زیبا و پر شور و گاه خونین و تراژیک.

حکومت در مقابل مردم و برای ارباب آنها تا می توانست گرفت و شلاق زد و اعدام کرد. کارد خونین در دستش کند شد؛ اما در مقابل، مردم؛ مانند فولاد، برای مبارزه آب دیده تر شدند. نه مرعوب شدند و نه از پای نشستند. نان را از سفره مردم دزدیدند و امرار معاش را به کابوسی تلخ تبدیل کردند؛ اما آنها همچنان ایستاده اند. از سوی دیگر شاهد خلق صحنه‌های پر شور بی شماری از جانب مردم و جنبش‌های اعتراضی مختلف بودیم؛ چنان که حتی اشاره به آنها به صفحات زیادی احتیاج دارد. زنان همچنان پیشتازان رهایی بودند.

سال گذشته را شاید بتوان سال مرگ حجاب اجباری در ایران نامید. پیروزی‌های بزرگی رقم خورد و جان‌های عزیز فراوانی در این راه فدا شدند. پیروزی تنها آن لحظه فرجام کار و شکست کامل رژیم نیست. پیروزی یک روند است، یک پروسه با تمام افت و خیزهای پروسه‌های دیگر. با توجه به این حقیقت سال گذشته با تمام حوادثش بدون هیچ شک سال پیروزی ما مردم بود. سال تحمیل شکست‌های پیاپی به دشمنان انسان و انسانیت. کافی است اوضاع کلی رژیم را با سال قبلش در همین زمان مقایسه کنیم. این ورشکستگی که از همه جهات شاهد آن هستیم دقیقاً همان دستاورد ما است. حکومت اسلامی را ما مردم به این روز انداخته ایم و به همین دلیل ما می توانیم سال جدید را به آخرین سال وجود منحوسش تبدیل کنیم. با این امید سال جدید را آغاز می کنیم.*

پیام نوروزی حمید تقوایی

با اعتراضات متحد و یکپارچه به پیشواز سال نو برویم!

صفحه ۲

سقوط حجاب و قدرت دو گانه

اصغر کریمی

صفحه ۳

نگاهی به سالی که گذشت و سالی که در راه است

تدوین شده بر مبنای مصاحبه حمید تقوایی با برنامه گفتگو

صفحه ۴

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

در مورد مذاکره و موقعیت باخت باخت

جمهوری اسلامی

صفحه ۸

درباره خطر حمله نظامی

آمریکا و اسرائیل به ایران

حسن صالحی

صفحه ۹

نمای نزدیک: آشنایی با فعالین

حزب کمونیست کارگری

کیوان جاوید

صفحه ۱۰

فرمان ترامپ مبنی بر تعطیلی رسانه‌ها

مهران محبی

صفحه ۱۲

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

قتل عام ۴۰۰ نفر دیگر در غزه

نابود باد دولت فاشیست اسرائیل

صفحه ۱۳

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

کمپین یک ماهه جمع آوری ۱۵۰ هزار دلار کمک مالی!

صفحه ۱۴

کمپین مالی حزب (لیست شماره ۵)

صفحه ۱۵

سایر اطلاعیه‌های هفته اخیر

صفحه ۱۶

پیام نوروزی حمید تقوایی

با اعتراضات متحد و یکپارچه به پیشواز سال نو برویم!



فرارسیدن نوروز و سال نو را به همه مردم آزاده ایران شادباش می‌گوییم.

اکنون با فرارسیدن نوروز فرصت دیگری برای به چالش کشیدن حکومت جانان حاکم فرامی‌رسد. نوروز موعد نوشدن طبیعت و زایش و بالندگی، و موسم شادی و رقص و پایکوبی است و از این رو نفس نوروز و جشن نوروزی با کل موجودیت رژیم مرگ و عزای جمهوری اسلامی در تناقض است. مراسم نوروزی راه از چهارشنبه‌سوری تا سیزده‌بدر، با رقص و شادی و جشن‌های خیابانی، و با اتحاد و هم‌صدایی و همراهی در عرصه‌های مختلف مبارزه، برگزار می‌کنیم و بزرگ می‌داریم.

در آستانه سال نو و در مراسم‌ها و گردهمایی‌های نوروزی یاد همه عزیزانی که در نبرد با درّخیمان حاکم از دست دادیم را گرامی می‌داریم و یکبار دیگر عهد می‌بندیم که تا سرنگونی حکومت قاتلین آنها از پای ننشینیم.

پیروزی از آن ماست!

نوروزتان پیروز!

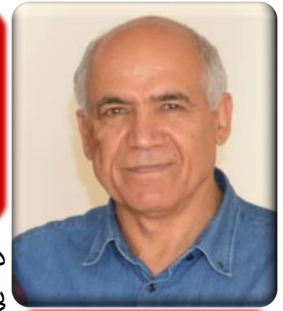
۲۷ اسفند ۱۴۰۳، ۱۷ مارس ۲۰۲۵

سالی که گذشت سال تضعیف و درماندگی بیش‌ازپیش حکومت و تعمیق و پیشروی جنبش زن زندگی آزادی بود: سال تثبیت پیروزی جنبش بی‌حجابی، سال شکستن دیوارهای آپارتاید جنسیتی با اعتراض عریان و کنسرت و آوازخوانی زنان و رقص و شادمانی خیابانی؛ سال گسترش مبارزات کارگران و بازنشستگان با پرچم اتحاد علیه فقر و فساد؛ و سال هماهنگی و همراهی هر چه بیشتر فعالین جنبش‌های اعتراضی و انتشار بیانیه‌ها و قطعنامه‌ها و سخنرانی‌های رادیکال و پرشور در تجمعات و در مراسم‌های علنی در عرصه‌های مختلف مبارزه.

تحولات سال گذشته یکبار دیگر به همه جهانیان و حتی به خود حکومتی‌ها نشان داد که جمهوری اسلامی رفتنی است. انقلابی که با قتل حکومتی مهساژینا امینی آغاز شد اکنون به جنبشی عظیم و فراگیر و پیگیر تبدیل شده است و حکومت را در بحرانی عمیق و همه‌جانبه و لاعلاج فروبرده است. برای همه روشن است که این روند تا به زیر کشیدن جمهوری اسلامی ادامه خواهد یافت.



سقوط حجاب و قدرت دوگانه



اصغر کریمی

اسلامی بودن حکومت است. هیچ چیز به اندازه حجاب بیانگر اسلامیت حکومت و حاکمیت اسلام نیست. حجاب است که مظهر و سمبل برده بودن زن، طبق مبانی قرآن و اسلام و قوانین حکومت، و مظهر و سمبل اسلامیت حکومت است و بی حجابی توده‌ای در خیابان‌ها و میادین و بازارهای شهرها یعنی عملاً قدرت دوگانه‌ای شکل گرفته است. قدرتی که محصول ۴۶ سال مقاومت و مبارزه فردی و ساعت به ساعت زنان در فرم و رنگ و اندازه لباس، در دانشگاه و مدرسه، در ادارات و مراکز کار، در خانه و خیابان، در اعیاد و مراسم‌ها، در مدیای اجتماعی، و در لحظه به لحظه زندگی است. انقلاب زن زندگی آزادی ادامه این مبارزه طولانی و نقطه عطفی تاریخی در این جدال وسیع و اجتماعی بود و چنان شکستی به حکومت داد که ماحصل آن جمع شدن گشت ارشاد و مرده به دنیا آمدن لایحه و قانون حجاب و عفاف است. هر چند همچنان بخشی از مردم قسمتی از موهایشان پوشیده است و جنگ بر سر حجاب تماماً فیصله نیافته است؛ اما زنان، با همراهی مردان، در موقعیت تعرضی قرار گرفته و با سرعت در حال پیشروی هستند.

شکست‌های حکومت ولی یکی و دو تا نیست. عبور مردم از مذهب و شکل گرفتن جنبش عظیم ضد مذهبی، سبک زندگی مدرن و غیر اسلامی جامعه، شکست استراتژیک حکومت در منطقه و نیروهای نیابتی، زمین گیر شدن در زمینه اقتصاد، تشتت فراگیر در صفوف حکومت که با هر شکستی عمیق‌تر می‌شود، بی‌آبرویی تمام عیار آن در افکار عمومی جهانی و تحت تعقیب قرار گرفتن مقامات حکومت در خارج کشور، از جمله شکست‌هایی است که موقعیت رژیم را در مقابل مردم دگرگون کرده است. ترس مردم ریخته و سیاست ارباب یعنی ابزار اصلی حکومت برای بقا تماماً زیر سؤال رفته است. امروز حکومتیان هستند که با شکست‌های پی‌درپی از مردم، هر روز بیشتر از عاقبت خود به وحشت افتاده‌اند. بی‌جهت نیست که حکم اعدام را بالای سر تعدادی از زندانیان سیاسی از جمله چند زن معترض زندانی می‌چرخانند؛ اما جرئت عملی کردن آن را ندارند. می‌ترسند چاشنی یک انفجار شود. می‌ترسند درحالی که به قول پزشک‌های "کشور با مشکلات بسیاری چون ناترازی برق، ناترازی بنزین، فقر، تورم، کمبود، گرانی و... روبه‌روست"، "افزودن بر مشکلات مردم و اجرای قوانینی که حساسیت‌های بسیاری دارد"، کار دستشان دهد.

این شرایط موقعیت مناسبی برای پیشروی مردم در همه زمینه‌ها ایجاد کرده است. حجاب، این ستون مهم نظام عملاً سرنگون شده و زمینه برای فتح سنگرهای دیگر از جمله در هم شکستن آپارتاید جنسیتی فراهم شده است.*



درست هم‌زمان با چهارشنبه‌سوری که بی‌حجابی همه‌جا را پر کرده بود و همه‌جا شاهد رقص زنان و مردان بودیم قالیباف اعلام کرد که «دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی احساس کرد این قانون (قانون حجاب و عفاف) در جامعه شاید تنش ایجاد کند. باتوجه به هم‌زمانی با موضوعات ۱۴۰۱ این قانون عقب افتاد». تنش یعنی مقاومت زنان یعنی اینکه آن‌قدر بی‌حجابی زیاد است که دیگر زورمان نمی‌رسد جلواش را بگیریم و شکست می‌خوریم. قالیباف حاضر نیست رجزخوانی‌اش در آذرماه سال قبل را به یاد مخاطبانش بیاورد که گفت اگر رئیس‌جمهور تا آخر آذر آن را اجرا نکند من این کار را خواهم کرد.

اعلام ناتوانی در مقابل بی‌حجابی آن‌هم در روزهایی که بی‌حجابی بسیار گر گرفته است، بسیار سمبلیک بود. صحبت سخنگوی کمیسیون قضایی و حقوق مجلس اسلامی نیز جالب است. می‌گوید: "قانون حجاب قابلیت اجرا ندارد و با این حجم از مشکلات، سرنوشت قانون ماهواره را پیدا کرده و منزوی و مطرود می‌شود." یعنی ۴۶ سال زورمان را زدیم، زندانی کردیم، تجاوز کردیم، تحقیر و جریمه و اسیدپاشی هم کردیم اما شکست خوردیم و دیگر این قانون منزوی و مطرود شده است. همین‌طور که در مورد ماهواره مفتضحانه شکست خوردیم در مقابل بی‌حجابی هم شکست خوردیم و به پایان خط رسیدیم. طرح این مسئله مردم را به صحنه اعتراض می‌کشاند و توان مقابله با آن را نداریم. پزشک‌های هم همین را گفته بود: "کشور با مشکلات بسیاری چون ناترازی برق، ناترازی بنزین، فقر، تورم، کمبود، گرانی و... روبه‌روست، افزودن بر مشکلات مردم و اجرای قوانینی که حساسیت‌های بسیاری دارد، اشتباه محض است".

انقلاب زن زندگی آزادی چنان طوفانی بپا کرد و چنان موجی از بی‌حجابی شروع شد که حکومت را در زمینه حجاب به آخر خط رساند. هشت ماه پس از شروع این انقلاب بود که حکومت برای مقابله با سونامی بی‌حجابی تصور کرد می‌تواند با قانونی جدید به جنگ زنان و جامعه برود. در اردیبهشت ۱۴۰۲ حجاب و عفاف به صورت لایحه‌ای در قوه قضائیه نوشته شد و از این ارگان به آن ارگان و از این کمیسیون به آن کمیسیون رفت؛ اما جرئت نکردند در صحن علنی مجلس آن را به تصویب برسانند و عملاً به جز رادان و اعضای جبهه پایداری و چند نفر دیگر از مجلسیان کسی صاحبش نشد. نهایتاً پس از اینکه در شهریور ۱۴۰۳ این لایحه توسط شورای نگهبان به عنوان قانون تصویب شد، تازه مشکل اصلی‌ترشان شروع شد. قالیباف گفت به دولت ابلاغ می‌کنیم و پزشک‌های گفت اجرا نمی‌کنیم. در واقع این قانون از همان ابتدا مرده به دنیا آمد.

بی‌جهت نیست که بی‌حجابی این چنین به طور تصاعدی فراگیر شده و جلوگیری از بی‌حجابی حتی در مراسم‌های حکومتی نیز غیرممکن شده است. با شروع فصل گرما ابعاد بی‌حجابی باز هم اوج بیشتری می‌گیرد. طلایه‌های آن را در هفته‌های آخر سال، در رقص‌ها و پایکوبی‌های گسترده زن و مرد در نقاط مختلف کشور شاهد بودیم. در چنین شرایطی است که مجلسیان، طرفداران قانون حجاب و عفاف را دارند با اسمرسم افشا می‌کنند! و طرفداران آن توان سر بلند کردن ندارند.

به جرئت باید گفت که سنگر حجاب فتح شده است و دیوار آپارتاید جنسیتی نیز در حال خرد شدن است. توجه کنیم که حجاب مهم‌ترین رکن



نگاهی به سالی که گذشت و سالی که در راه است تدوین شده بر مبنای مصاحبه حمید تقوایی با برنامه گفتگو در کانال جدید

دولت‌ها، به‌ویژه دولت‌های غربی، اینجوا آنجا علیه جمهوری اسلامی موضع گرفتند و جنایت‌هایش را محکوم کردند. نهادهایی مثل عفو بین‌الملل و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل و نظایر آنها با بیانی‌های خیلی تند و قاطعی نقض حقوق بشر در ایران را محکوم کردند، هر زمان حکومت جنایتی مرتکب می‌شد که در سه سال اخیر بسیار شدیدتر و وحشیانه‌تر از قبل بود، دنیا علیهش برمی‌خاست و این روند از آغاز جنبش زن زندگی آزادی مدام ادامه داشته است. منتهی سال گذشته سالی بود که همانطور که شما در مقدمه اشاره کردید به طور ویژه‌ای جمهوری اسلامی ضریات سختی خورد. در منطقه در رابطه با نیروهای نیابتی و آنچه خودشان محور مقاومت می‌نامند، یعنی جنبش عمیقاً ضدانسانی و ارتجاعی اسلام سیاسی، بسیار تضعیف شد. تقریباً می‌شود گفت بساط این نیروها از منطقه جمع شد. آخرین پایگاه این جنبش ضدانسانی در یمن نیروهای حوثی هستند که آنها هم مورد حمله نیروهای آمریکا قرار گرفتند. در سوریه هم که جمهوری اسلامی کلاً نفوذش را از دست داد و حزب‌الله هم کاملاً متلاشی شده و دیگر به هیچ‌وجه موقعیت گذشته‌اش در لبنان را ندارد. در عراق هم دارد بساط نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی جمع می‌شود و به این ترتیب تمام آن نفوذ و نیروها و اهرم‌هایی که رژیم در منطقه در دست داشت، و آنها را به عنوان امتیازی در مذاکره با غرب و در بده‌بستان و در تنظیم روابطش با دولت‌های غربی و در منطقه بکار می‌گرفت، همه از دست رفت. جمهوری اسلامی کاملاً از هر نظر ضعیف و درمانده‌تر از گذشته شده است. در این میان حتی نیروهای موشکی حکومت که همیشه به رخ دنیا می‌می‌کشید و ادعا می‌کرد به آنها می‌تواند اسرائیل را نابود کند کارایی ندارند. دو مورد موشک‌پراکنی حکومت نشان داد از نظر نظامی نیز حکومت توانایی ندارد و راه به جایی نمی‌برد. از این نظر جمهوری اسلامی کاملاً ضربه خورده و بی‌آینده شده است.

نکته مهم‌تر این است که به‌خاطر جنایت‌هایی که رژیم علیه مردم ایران مرتکب می‌شود کاملاً در دنیا رسوا و بی‌اعتبار شده است. امروز دیگر ادعاهایی که قبلاً جمهوری اسلامی داشت مبنی بر اینکه رهبر جنبش اسلامی است و در مقابل قلدری‌های اسرائیل و در مقابل آمریکا ایستاده و مستضعفین را نمایندگی کند و مزخرفاتی

سیما بهاری: سال ۱۴۰۳ سالی پر از اتفاق بود. در شروع سال کنسولگری ایران در دمشق مورد حمله اسرائیل قرار گرفت و این سال برای جمهوری اسلامی خوب شروع نشد. در ادامه جمهوری اسلامی یکی پس از دیگری یاران و نیروهای مورد حمایتش در سطح منطقه را از دست داد. رهبران حماس و رهبران حزب‌الله کشته شدند و این نیروها به شدت تضعیف شدند و نهایتاً با سقوط بشار اسد می‌توان گفت “محور مقاومت” مورد ادعای خامنه‌ای کاملاً از هم پاشید. با روی کار آمدن ترامپ درهای زیادی بروی جمهوری اسلامی بسته شد و حکومت در تنگنای بیشتری قرار گرفت. از سوی دیگر مردم حق به جانب‌تر، سازمان‌یافته‌تر، و با مطالبات شفاف‌تر و روشن‌تر در مقابل جمهوری اسلامی قرار گرفتند. حجاب به یک سنگر فتح شده تبدیل شد و به قول یکی از دوستان سقوط کرد. دیوار آپارتاید جنسیتی که با آغاز انقلاب زن زندگی آزادی لطمه خورده بود و با اعتراض آهو دریایی و کنسرت پرستو احمدی ضربه سنگین‌تری خورد، می‌توان گفت با شادی و پایکوبی خیابانی مردم در چهارشنبه‌سوری و جشن‌های نوروزی درهم شکست.

فضای امروز جامعه بسیار ملتهب و انفجاری است. گرانی و تورم نجومی بیداد می‌کند و جمهوری اسلامی از برآورده کردن حتی نیازهای اولیه مردم عاجز است. یک حکومت ناتوان در مقابل صف معترض مردم. این اوضاع هر روز ملتهب‌تر هم می‌شود.

در این مصاحبه می‌خواهیم نگاهی بیندازیم به مهم‌ترین اتفاقات سال گذشته و برآوردی از تحولات سال آینده. البته در این نیم ساعت نمی‌توانیم همه مطالب را پوشش بدهیم، اما امیدوارم بتوانیم به مهم‌ترین تحولات بپردازیم.

حمید تقوایی، جمهوری اسلامی هم در سطح جهان و هم در سطح داخلی موقعیت شکننده‌ای دارد. اجازه بدهید در یک نگاه گذرا و کوتاه ابتدا ارزیابی‌ای داشته باشیم از موقعیت بین‌المللی حکومت. شما موقعیت جهانی جمهوری است اسلامی را چطور می‌بینید؟

حمید تقوایی: از شروع انقلاب زن زندگی آزادی جمهوری اسلامی هر روز در دنیا منزوی‌تر و رسواتر شده است. نه تنها حکومت در افکار عمومی مردم جهان بیش‌ازپیش رسوا و بی‌آبرو شده بلکه بسیاری از احزاب و

پیروزی در این جنگ نیست.

جنبش انقلابی جاری که در شهریور ۱۴۰۱ سر بلند کرد با اعتراضات و تظاهرات های گسترده خیابانی شروع شد و در ادامه خود به شکل یک جنبش عمیق اجتماعی به پیش رفت. گرچه حکومت توانست دامنه تظاهرات و اعتراضات را محدود کند و اجازه ندهد جنبش با همان شتاب اولیه تا سرنگونی حکومت به پیش برود، ولی به هیچ وجه نتوانست این جنبش عظیم را متوقف کند و یا به عقب بنشانند. به طوری که بشود گفت برگشتیم به شرایط قبل از ۱۴۰۱. همه می بینیم که این روند قبال بازگشت نیست و خود حکومت هم این را می داند. این جنبش عظیم، جنبشی که زنان نقش اساسی در آن دارند، و بخش های مختلف جامعه خواست های بسیار رادیکال و پایه ای را مطرح می کنند، در اشکال مختلف به پیش رفته است.

یک دستاورد مهم این جنبش بی حجابی است. ما همیشه گفته تأکید کرده ایم و همه دنیا امروز این را می داند که در جمهوری اسلامی حجاب صرفاً نوعی از پوشش نیست. پوششی که حکومت اصرار دارد طبق فلان آیات قرآن اجرا شود. حجاب در واقع نماد و پرچم سیاه جمهوری اسلامی بود برای تقوی خودش و برای اعمال سلطه خودش بر جامعه.

سال گذشته اینها لایحه کذائی حجاب و عفاف را تصویب کردند و به خیال خودشان خواستند از این طریق با اعمال فشارها و محدودیت های زیادی علیه زنان بایستند و جنبش علیه حجاب را عقب برانند که در این آخرین تلاش هم کاملاً شکست خوردند و به شکستشان هم علناً اعتراف کردند. سال گذشته سال تثبیت پیروزی جنبش بی حجابی بود. این را الان همه می دانند و خود حکومت هم می داند که برای تحمیل حجاب دیگر کاری ازش ساخته نیست. امروز جنبش بی حجابی در ادامه خودش تبدیل شده است به جنبش تعرضی رو به اوجی علیه آپارتاید جنسیتی. شما به نمونه هایی اشاره کردید. نمونه هایی مثل حرکت آهو دریایی با اعتراض عربان، مثل کنسرت و آوازخوانی جسورانه پرستو احمدی که پیش گام حرکتی بود که گسترش پیدا کرده و الان دیگر به یکی از شکل های اعتراض علیه آپارتاید جنسیتی تبدیل شده، مثل رقص و پایکوبی و شادی خیابانی زن و مرد در کنار هم در شکل گسترده ای که در ۸ مارس و در چهارشنبه سوری و در جشن های نوروزی شاهد بودیم. اینها همه نشان دهنده پیشروی های جنبش زن زندگی آزادی است که همچنان زنان در محور آن قرار دارند. به نظر من این واقعیات نشان دهنده این است که نه تنها حکومت نتوانسته جنبش انقلابی مردم را عقب بنشانند؛ بلکه این جنبش دارد به پیش می رود و هر روز سنگرهای تازه ای را فتح می کند.

جنبش علیه بی حجابی تنها یک نمونه از پیشروی های مردم است. ما در طی سال گذشته تقریباً هر هفته و اغلب چند روز در هفته شاهد تجمعات اعتراضی بازنشستگان و کارگران بخصوص کارگران بخش های مختلف صنعت نفت بودیم علیه فقر و شرایط غیرقابل تحمل معیشتی و با شعار محوری اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد! مدام کارگران شاغل و بازنشسته در شهرهای مختلف در خیابان ها تجمع و اعتراض می کردند، شعارهای رادیکال می دادند و به این ترتیب کل جامعه، جامعه ای که تحت فشار تورم و گرانی بی سابقه ابتدائیات معیشتی و به همراه آن طاقت و تحمل خودش را از دست داده است، را نمایندگی می کردند.

از سوی دیگر جنبش دادخواهی همچنان زنده و پویانده در حرکت است و جنبش علیه اعدام نیز در ابعاد گسترده ای در داخل و خارج کشور در جریان است. جنبش جوانان، دانشجویان، جنبش زندانیان سیاسی برای آزادی و برای توقف و لغو اعدام ها، و اعتراضات سایر بخش های جامعه نیز در حال پیشروی است. در دل این جنبش ها چهره ها و نهادها و کانون ها و کمیته های

مختلف مبارزاتی، سینماگران و ورزشکاران و

نگاهی به سالی که گذشت و سالی که در راه است
از صفحه ۴

از این قبیل دوره اش کاملاً به سر رسیده و جمهوری اسلامی به عنوان یک حکومت هار و وحشی و آدمکش در دنیا رسوای عام و خاص شده است. این موقعیت زار جمهوری اسلامی در سطح جهانی است.

سیما بهاری: یک نکته دیگر هم مطرح می کنم و بعدش بقیه وقتان را اختصاص می دهیم به اوضاع داخلی حکومت. در این تردیدی نیست که حکومت در سطح منطقه و در سطح جهان در موقعیت خیلی ضعیف و شکننده ای قرار دارد. آیا هیچ امکانی هست که جمهوری اسلامی به نحوی موقعیتش را بهبود ببخشد؟ آیا می تواند امیدوار باشد که به نحوی دوره ریاست جمهوری ترامپ را از سر بگذراند و خودش را سرپا نگه دارد؟

حمید تقوایی: سر نوشت جمهوری اسلامی از طریق رابطه جمهوری اسلامی با دنیا یا با غرب تعیین نمی شود. اینکه جمهوری اسلامی می ماند یا می رود تماماً بستگی دارد به جنبش انقلابی که در ایران در جریان است. بله، اگر اعتراضات و مبارزات جاری نبود، اگر جنبش زن زندگی آزادی عقب نشسته بود و شکست خورده بود، اگر رژیم توانسته بود جامعه را مرعوب کند، آن وقت می توانست هر رابطه ای آمریکا و دول غربی و با دولت های منطقه را کنترل کند؛ چون این دولت ها هیچ یک در پی این نیستند که جمهوری اسلامی را بر بیندازند. یا حتی ضرباتی بزنند که رژیم سرنگون بشود. دولت ها چنین سیاستی ندارند و حتی ترامپ هم بارها گفته چنین هدفی ندارد؛ بنابراین این احتمال که جمهوری اسلامی در اثر فشارهای بین المللی از هم بپاشد وجود ندارد. چنین اتفاقی نخواهد افتاد. این امری است که مردم ایران باید به سرانجام برسانند. وقتی، همانطور که اشاره کردید، در ادامه این مصاحبه به وضعیت داخلی ایران بپردازیم می شود به روشنی دید که تحت فشار مبارزات مردم است که جمهوری اسلامی به این روز افتاده و راه فراری از این شرایط ندارد.

سیما بهاری: بسیار خوب. اینجا بیشتر متمرکز می شویم به وضعیت داخلی حکومت. شما در صحبت هایتان به محکومیت رژیم از جانب نهادهای جهانی اشاره کردید. گزارشات این نهادها نقض مداوم حقوق بشر در ایران را محکوم می کنند. همین چند روز پیش در نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل کمیته حقیقت یاب گزارش مشروعی از جنایات حکومت و آمار بسیار بالای اعدام ها در ایران ارائه داد، از گسترش دستگیری ها و خشونت و شکنجه علیه بازداشت شدگان صحبت کرد، جمهوری اسلامی را به خاطر "نقض گسترده حقوق بشر" محکوم کرد و در انتهای این گزارش رئیس کمیته حقیقت یاب، سارا حسین، تأکید کرد مقاومت مردم در این همچنان ادامه دارد. تصویر شما از فضای اعتراضی در ایران چیست؟

حمید تقوایی: گزارش کمیته حقیقت یاب واقعیاتی را بیان کرده است. اهمیت قضیه این است که بر ادامه مقاومت تأیید کرده اند. ببینید، جنایات های جمهوری اسلامی امر تازه ای نیست. این حکومت از ابتدای به قدرت رسیدنش همین رابطه را با مردم دارد: بگردد، بزند، ببندد، دستگیر کند، اعدام کند، شکنجه کند. در اوج گیری های مبارزات مردم مثل خیزش ۹۶ و ۹۸ و جنبش انقلابی جاری کشتار خیابانی و شلیک به مردم معترض نیز به کارنامه جنایات حکومت اضافه می شود. در این جنبش انقلابی اخیر یعنی از ۱۴۰۱ تا امروز هم حکومت همه امکانات و ابزارهای جهنمی خودش علیه مردم را بکار گرفته است چرا که راه دیگری برای حفظ خودش در برابر اعتراضات مردم ندارد. امروز جنگ بی امانی بین حکومت و اکثریت قریب به اتفاق مردم در جریان است و نکته مهم این است که گرچه حکومت از تمام نیروی جهنمی خود استفاده می کند؛ اما قادر به

نگاهی به سالی که گذشت و سالی که در راه است
از صفحه ۵

هنرمندان، با بیانیه‌ها و فراخوان‌ها و طومارهای اعتراضی همچنان فعال‌اند. در فضاهای مجازی شما اگر دنبال کنید می‌بینید چه طوفانی برپاست.

اینجا همه ابعاد و جبهه‌های مختلف جنبش انقلابی زن زندگی آزادی هستند با هدف سرنگون کردن جمهوری اسلامی. در تمام این زمینه‌ها جنبش در حال پیشروی است. گفتید در گزارش کمیته حقیقت‌یاب به مقاومت مردم ایران اشاره شده اما این فقط مقاومت نیست، یک تعرض همه‌جانبه است. تعرض گسترده‌ای علیه تمام بنیادهای جمهوری اسلامی. این جنبش عظیمی است که افق سرنگونی جمهوری اسلامی را در مقابل جامعه قرار می‌دهد. جنبش انقلابی که تا سرنگونی جمهوری اسلامی همچنان ادامه خواهد داشت و به پیش خواهد رفت.

سیمای بهاری: در صحبت‌هایتان به پیشرفت‌های زیادی اشاره کردید. اما می‌خواهم در مورد عواملی که به جنبش انقلاب مردم عمق می‌بخشد صحبت کنیم. مثلاً در هشت مارس دیدیم که فعالین و جریان‌های مختلف کنار هم قرار گرفتند و متحدانه اعتراض کردند به تبعیضات علیه زنان و دفاع از حقوق انسانی زنان. می‌خواهم در مورد این جنبه‌ها صحبت بکنیم. آنجایی که زنان و یا کارگران و معلمان و یا دانشجویان و غیره با تشکلهای هماهنگی بیشتری به میدان می‌آیند. در این مورد چه نظری دارید؟

حمید تقوایی: نکاتی که در پاسخ به سؤال قبل توضیح دادم در واقع نمونه‌ها و واقعیاتی بود در مورد گسترش جنبش‌های اعتراضی. باید گفت جنبش‌ها هم گسترش پیدا می‌کنند و هم عمیق‌تر می‌شوند. یا به عبارت دیگر هم به شکل افقی و هم عمودی رشد می‌یابند. ما نه تنها پهناوری و گستردگی جنبش‌های اعتراضی، و جنبش سرنگونی که درگیرنده همه آنهاست، بلکه تعمیق و انسجام و سازمان‌یابی اعتراضات را هم شاهد هستیم و این دو جنبه کاملاً به یکدیگر مربوط هستند. هر چه جنبش رادیکال‌تر و سازمان‌یافته‌تر باشد می‌تواند پا به عرصه‌های تازه‌ای بگذارد و تعرض بیشتری بکند.

به نظر من یکی از فاکتورهای بسیار مهمی که مربوط می‌شود به تعمیق جنبش، هماهنگی و همراهی و اتحاد فعالین و دست‌اندرکاران جنبش‌های اعتراضی و جنبش زن زندگی آزادی است. می‌دانیم که در روند انقلاب زن زندگی آزادی هزاران جمع مبارزاتی تشکیل شده است. بسیاری از اینها معرفی هستند و با اسمورسم و لوگو و نهاد و سازمان و حتی فعالین و چهره‌های شناخته شده فعالیت می‌کنند، و تعداد بسیار بیشتری هم کاملاً مخفی و ناشناخته هستند. اما همه اینها در جنبش‌ها و مبارزات جاری فعال هستند و حتی شبکه‌های سراسری را سازمان داده‌اند. این جنبش انقلابی متشکل و سازمان‌یافته است. هیچ حرکتش بدون تدارک و ابتدابه‌ساکن و خودبه‌خودی اتفاق نمی‌افتد. حرکت‌های اعتراضی که مشاهده می‌کنیم همه نتیجه کار سازمان‌یافته دست‌اندرکاران و فعالین است. هم در جنبش انقلابی زن زندگی آزادی و هم در جنبش‌های اعتراضی در عرصه‌های مختلف.

از این نظر جنبش انقلابی برای سرنگونی حکومت در واقع در حال منسجم کردن خودش است. در حال تقویت و تحکیم پایه‌های خودش است در همه سطوح جامعه.

در کنار این ما از نظر مضمونی هم می‌بینیم که شعارها اعتراضی‌تر و خواست‌ها عمیق‌تر و انسانی‌تر می‌شود. یکی از نمونه‌های برجسته این امر جنبش علیه اعدام است که در سال گذشته بسیار گسترده‌تر و فعال‌تر از گذشته عمل کرد. زمانی بود که خیلی‌ها با اعدام مخالف بودند؛ ولی به

این یا آن پرونده اعتراض می‌کردند، به احکام اعدام معترض بودند، اما الان جامعه علیه نفس مجازات اعدام به حرکت درآمده است. در خیابان‌ها، در خارج و در داخل کشور، و حتی در زندان‌ها. مسئله‌ای که در سال گذشته مطرح شد اعتراض به اعدام زندانیان غیرسیاسی بود، مشخصاً اعتراض به اعدام مجرمین مربوط به مواد مخدر و نظایر آن. علیه این هم جامعه بلند شد و اعتراض کرد و الان جنبش علیه اعدام هدفش را لغو مجازات اعدام به هر جرمی و به هر بهانه‌ای اعلام کرده است. این نشان می‌دهد که جنبش از نظر مضمون و از نظر خواست‌ها و اهداف هم دارد رادیکال‌تر و انسانی‌تر می‌شود.

نمونه برجسته دیگر اعتراضات بی‌وقفه کارگران علیه شرایط غیرقابل تحمل معیشتی است. کارگران هر ساله در اواخر سال برای افزایش دستمزدها مبارزه می‌کردند؛ ولی مبارزه امسال فقط علیه دستمزدهای زیر خط فقر نیست؛ بلکه به قول خودشان علیه فقر و فساد است. دارند به فقری که در اثر فساد و بخور و بچاپ‌های حکومت به جامعه تحمیل شده اعتراض می‌کنند. به این اعتراض می‌کنند که حقوق آنها یک‌ششم خط فقر است؛ اما دارودسته‌های آقا زاده‌ها و مافیای اقتصادی حکومتی پولشان از پارو بالا می‌رود. جنبش کارگری این شکاف بین فقر و ثروت در جامعه را هدف قرار داده است و با شعار "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" و "شاغل، بازنشسته اتحاد" همه جامعه را به این مبارزه فرا می‌خواند. این جنبش پرچم کل جامعه علیه شرایط غیرقابل تحمل معیشتی را بلند کرده است.

جنبش دادخواهی هم گسترده و عمیق‌تر شده و خواسته‌هایش از صرفاً محکوم کردن قاضی‌ها یا مسئولینی که عزیزان ما را کشتند فراتر می‌رود و علیه کل حکومت، رژیم که جز جنایت و اعدام راه دیگری برای بقای خودش پیدا نمی‌کند، به خیابان می‌آید.

و بالاخره در خود شعار زن زندگی آزادی هم شما این تعمیق و رادیکالیزه شدن را می‌بینید. این شعار از همان روز اول داده شد و به پرچم جنبش انقلابی تبدیل شد؛ ولی الان در هر کدام از این مقوله‌های زن و زندگی و آزادی می‌بینید که مضامین و معانی و اهداف و تعبیر بسیار عمیق‌تر، انسانی‌تر، و می‌شود گفت فراگیرتری از آنچه در ابتدا از این شعار استنباط می‌شد در جامعه رواج پیدا کرده و به گفتمان تبدیل شده است. شما اگر به مدیای اجتماعی سری بزنید می‌بینید که چطور دارند مردم هرچه شفاف‌تر و ریشه‌ای‌تر این شعار، این رهایی و این تحقق شعار زن زندگی آزادی را، معنی می‌کنند.

بنابراین، هم از نظر شکل، متشکل شدن و کنار هم قرار گرفتن و هماهنگ شدن، و هم از نظر مضمون این جنبش در حال تعمیق است، در حال پیشروی است و یک سیاست و هدفی که حزب ما دنبال می‌کند این است که بیش از همیشه و خیلی فعال‌تر و پیگیرتر فعالین و دست‌اندرکاران جنبش‌های اعتراضی و جنبش انقلاب زن زندگی آزادی را حول خواست‌های انسانی هرچه رادیکال‌تر و ریشه‌ای‌تر و به طور گسترده‌ای هماهنگ و متشکل و همراه بکنیم. این امری است که حزب ما، در خارج کشور و در داخل کشور، به پیش می‌برد.

سیمای بهاری: در صحبت‌های قبلی‌تان گفتید که همه این حرکت‌ها به ما افق می‌دهد. می‌خواهم در مورد این افق سؤال کنم. در مورد افق امیدوارکننده‌ای که سال آینده ما می‌توانیم مدنظر داشته باشیم و بگوئیم به این سمت داریم می‌رویم. شما چه چشم‌اندازی دارید؟

حمید تقوایی: هیچ‌کس در این تردید ندارد که شرایط سیاسی ایران به قبل از ۱۴۰۱ برنمی‌گردد. دو مؤلفه مهم این واقعیت را نشان می‌دهد. اول اینکه جمهوری اسلامی سیر نزولی ضعیف‌تر و درماندگی بیشتر و تزلزل بیشتر را طی می‌کند و در مقابل، فاکتور دوم، این است که صفوف مردم

نگاهی به سالی که گذشت و سالی که در راه است
از صفحه ۶

دادگاه‌های علنی و به شیوه کاملاً منصفانه و عادلانه محاکمه شوند؛ جامعه و روند اوضاع سیاسی به این سمت حرکت می‌کند. مردم خواهان تحقق این خواسته‌ها هستند. رهایی کامل زنان، رفع هر نوع تبعیض از نظر اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، و اجتماعی بین زن و مرد، به شکلی که اصلاً اثری نه تنها از قوانین اسلامی ضد زن، بلکه از هیچ نوع اخلاقیات و فرهنگ و قوانین مردسالارانه باقی نماند. اینها در افق جامعه قرار گرفته است. جامعه دارد به این طرف می‌رود. جامعه عزم جزم کرده است که فقر را ریشه کن کند که تفاوت عظیم بین فقر و ثروت از بین برود که استثمار و بردگی مزدی و بهره‌کشی یک اقلیت مفت‌خور از توده مردم کارگر و کارکن در جامعه بر بیفتد. این‌ها در افق جامعه قرار دارد و این روند همانطور که گفتم بازگشت‌ناپذیر است. این غیرممکن است که جمهوری اسلامی بتواند با فقر بیشتر و فلاکت بیشتر و تبعیض بیشتر و سرکوب بیشتر خودش را سرپا نگه دارد. کافی است شما تنها شرایط اقتصادی را در نظر بگیرید. اقتصاد ازهم‌پاشیده است. دیگر حتی نمی‌شود گفت اقتصاد ورشکسته! ماشین اقتصادی کاملاً ازکار افتاده. دلار با شتاب بی‌سابقه‌ای هر روز گران‌تر و ابتدایی‌ترین نیازهای مردم هر روز گران‌تر می‌شود. گرانی و تورم و بی‌برقی و بی‌آبی و بی‌امکانی در جامعه بیداد می‌کند. این حکومتی است که حتی زندگی روزمره مردم را نمی‌تواند تأمین کند. حکومتی که جامعه را به تعطیلی کشانده و زندگی هر روزه را متوقف کرده است. روشن است که چنین حکومتی محکوم به فناست و جامعه بلند شده برای اینکه این را متحقق کند. من در افق جامعه ایران پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی و تحقق همه خواسته‌های انسانی و برحق را می‌بینم که جامعه ایران دارد برایش مبارزه می‌کند. حزب ما به سهم خودش سعی می‌کند که یک نیروی مؤثر در این روند باشد و در جهت تقویت انقلاب، تحکیم و انسجام صفوف انقلاب و پیشروی‌ها بیشتر انقلاب تمام نیرویش را بکاربرد. امیدوارم در سالی که پیش رو داریم شاهد سرنگونی حکومت و نظام جمهوری اسلامی باشیم.

۲ فروردین ۱۴۰۴، ۲۱ مارس ۲۰۲۵

به‌سوی تعرض و هماهنگی و مبارزات گسترده‌تری به پیش می‌رود. این دو فاکتور در این ۳ سال اخیر در تقابل با یکدیگر به فضای سیاسی جامعه شکل داده‌اند. این امر این سؤال را در برابر هر ناظری قرار می‌دهد که بالاخره این روند به کجا می‌انجامد؟ آیا جمهوری اسلامی جنبش را می‌کوبد و جامعه را مرعوب می‌کند و به حکومت ننگینش ادامه می‌دهد و یا برعکس مردم بالاخره ضربه نهایی را می‌زنند و جمهوری اسلامی را ساقط می‌کنند؟ هر کس این روند ۳ ساله را دیده باشد طبعاً شق دوم را بسیار محتمل می‌داند. این که جمهوری اسلامی بتواند جامعه را برگرداند به شرایط گذشته دیگر حتی قابل تصور نیست. خامنه‌ای در پیام نوروزی‌اش شرایط امروز را با سال ۶۰ مقایسه کرد. سالی که سران حکومت ترور شدند. اما این قیاس کاملاً بی‌معناست. در آن دوره جمهوری اسلامی تازه به قدرت رسیده بود و در دل جنگ ایران و عراق هجوم وحشیانه‌اش به مردم را توجیه می‌کرد. در بخشی از جامعه هم هنوز توهم به حکومت وجود داشت و در هر حال حکومت رو به تثبیت قدرت بود. امروز روند کاملاً برعکس است. رژیم رو به سقوط است و از هر نظر در سطح جهانی و در خود جامعه به آخر خط رسیده است. حکومت روند زوال خودش را دارد طی می‌کند؛ بنابراین افق چیزی به‌جز پیروزی مردم و سرنگونی کامل جمهوری اسلامی نیست. سرنگونی نه تنها یک حکومت و دارودسته، بلکه یک نظام.

امروز جامعه ایران یکی از ضدمنذهبی‌ترین جوامع دنیاست و سکولاریسم اولین خواستی است که مردم به کرسی می‌نشانند. لغو فوری مجازات اعدام اولین اتفاق بعد از سقوط جمهوری اسلامی است. تحقق آزادی‌ها، آزادی بی‌قید و شرط عقیده و بیان، آزادی مطبوعات، رسانه‌ها، تحزب و تشکل؛ پیروزی جنبش دادخواهی به این معنا که تمام مسئولین حکومتی که دستشان به جنایت و کشتار و قتل و اعدام آغشته است در

کل هزینه ماشین دولتی و ارتش و سیستم اداری بورژوازی، کل هزینه نهادهای ایدئولوژیکی و فرهنگی جامعه بورژوایی و خرج خیل عظیم کسانی که از طریق این نهادها قدرت بورژوازی را حفظ و حراست می‌کنند، از همین منبع (یعنی با کار کارگر) تأمین می‌شود. طبقه کارگر با کار خود خرج طبقه حاکمه، خرج انباشت روزافزون سرمایه و هزینه سلطه سیاسی و فرهنگی و فکری بورژوازی بر خود و بر کل جامعه را می‌پردازد.

(از برنامه یک دنیای بهتر)

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

در مورد مذاکره و موقعیت باخت باخت جمهوری اسلامی

است و این را خود مردم می دانند. این به ذهنیت عمومی مردم تبدیل شده است که تا جمهوری اسلامی هست نه تنش با غرب از بین خواهد رفت و نه بحران اقتصادی و مصائب هر روزه و افزایش یابنده مردم کاهش خواهد یافت. هیچ راهی جز سرنگونی جمهوری اسلامی برای پایان دادن به این وضعیت قابل تصور نیست.

وضعیت شکننده و بحرانی جمهوری اسلامی برای مردم فرصتی ایجاد کرده است که با توازن قوایی بهتر حول خواست های اساسی اقتصادی و سیاسی خود به میدان بیایند و تکلیف همه چیز را روشن کنند. تشکلهای کارگری، معلمان و دانشجویان، بازداشتگان و اقشار مختلف جامعه باید پرچم مقابله با سیاست اتمی و موشکی جمهوری اسلامی را بلند کنند و خواهان قطع کامل هزینه های اتمی و موشکی، قطع کامل هزینه های نیروهای نیابتی، ارگان های سرکوب و ارگان های مذهبی و تحقق فوری خواست های رفاهی و آزادی خواهانه خود شوند.

جامعه در حالتی انفجاری قرار دارد. آنچه در این شرایط می تواند مبارزات و اعتراضات مردم را علیه شرایط غیرقابل تحمل معیشتی یک گام بزرگ به جلو سوق دهد هماهنگی و اتحاد مبارزاتی فعالین و نهادهای مبارزاتی در همه جنبش های اعتراضی است. در سطح جهانی نیز باید یک صدا و یکپارچه به همه دولت ها و سازمان های جهانی فشار آورد تا جمهوری اسلامی را بایکوت کنند و آن را در سطح جهان منزوی کنند. نهایتاً این مردم ایران هستند که خود و مردم منطقه و جهانیان را از شر جمهوری اسلامی رها خواهند کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۵ اسفند ۱۴۰۳، ۱۵ مارس ۲۰۲۵

بار دیگر بحث حول مذاکره میان جمهوری اسلامی و دولت آمریکا بالا گرفته است. پس از تأکیدات خامنه ای که مذاکره عاقلانه و شرافتمندانه نیست، عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی می گوید «مذاکره غیرمستقیم شدنی است و این مدل چندان محل ایراد نیست!»

جمهوری اسلامی مجبور است علی رغم موضع گیری های خامنه ای پای مذاکره با دولت ترامپ برود. اما در عین حال می داند که به دنبال شکست هایش در منطقه، اقتصاد زمین گیر شده و خطر خیزش مجدد مردم، در موقعیتی بحرانی و ضعیف مذاکره یعنی تسلیم به فشارهای دولت آمریکا و در نتیجه تشدید بحران سیاسی رژیم و تضعیف موقعیت آن در مقابل مردم جمهوری اسلامی در موقعیت باخت باخت گرفتار شده است و با یابی مذاکره راه فراری از بحران همه جانبه ای که گریبان او را گرفته نخواهد داشت.

رابطه جمهوری اسلامی با آمریکا و غرب هر شکلی به خود بگیرد نه تخفیفی در وضعیت بحرانی جمهوری اسلامی ایجاد خواهد شد و نه بهبودی در زندگی مردم. اقتصاد جمهوری اسلامی ورشکسته تر از آن است که با تخفیف تحریم ها بهبودی پیدا کند. در بهترین حالت تنش های موجود میان جمهوری اسلامی و دول غربی به طور نسبی کاهش خواهد یافت؛ اما بحران سیاسی و اقتصادی رژیم حل نخواهد شد و تورم و گرانی و شرایط زندگی توده مردم هر روز غیرقابل تحمل تر خواهد گشت. وضعیت کنونی حاصل ۴۶ سال سیاست ارتجاعی حکومت بوده و تا این حکومت سرکار است تغییری نخواهد کرد. مردم با شعار "دشمن ما همین جاست، دروغ می گن آمریکاست" ریشه دردها و مصائب خود را می دانند.

خروج از این موقعیت تنها با پا گذاشتن مردم به میدان مبارزه امکان پذیر

زنده باد انقلاب انسانی برای زندگی انسانی!

دیگر نمی پذیریم که یک اقلیت مفت خور و بی منطق و بی خاصیت بر ما حکومت کند. در این جامعه دیگر جایی

برای تحمیل دیکتاتوری و مفت خوری و اختلاس و فساد و حاکمیت قوانین مذهبی و اسلامی نیست.

انقلاب زن زندگی آزادی یعنی اراده و عزم و تلاش همه جانبه ما مردم برای آزادی تشکل و حزب و اعتصاب،

یعنی حق بی چون و چرای تک تک شهروندان به رفاه و امنیت و منزلت، یعنی برابری زن و مرد در تمام

شئون اجتماعی، یعنی آزادی پوشش و آزادی تفکر و آزادی بیان. همه اینها را بی کم و کاست ما با ادامه

انقلابمان به کرسی خواهیم نشاند و جامعه ای نمونه وار و آزاد را برپا خواهیم کرد.

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی!

حزب کمونیست کارگری ایران

درباره خطر حمله نظامی آمریکا و اسرائیل به ایران



حسن صالحی

ما همین جاست، دروغ می‌گن آمریکاست". آنها ضد موشک‌پرانی‌های جمهوری اسلامی هستند و جنگ نمی‌خواهند و در ضدیت با گروه‌های تحت حمایت جمهوری اسلامی نظیر حزب‌الله لبنان، حماس و حوثی‌های یمن نمی‌خواهند که هیچ کمکی به این نیروهای ضدانسانی، آن‌هم به قیمت زدن از جیب مردم، بشود.

امروز، سایه تهدید جنگ بر کشور و زندگی مردم، نتیجه حکومتی است که به جای تأمین منافع مردم ایران، در پی گسترش اسلام سیاسی و سلطه ارتجاعی خود در منطقه بوده است. تا زمانی که این رژیم بر سر کار باشد، ایران همواره با چنین بحران‌ها و تنش‌هایی روبه‌رو خواهد بود. پاسخ مردم ایران به این وضعیت، سرنگونی کامل جمهوری اسلامی است. راحل، تشدید مبارزه و تداوم انقلاب "زن، زندگی، آزادی" تا محو کامل جمهوری اسلامی است.

ما نباید اجازه دهیم که هیچ عاملی، مبارزه پیگیرانه علیه جمهوری اسلامی را تحت الشعاع قرار دهد. رژیم از هر فرصتی برای دامن‌زدن به تبلیغات جنگی و کوبیدن بر طبل ضدآمریکایی‌گری استفاده می‌کند تا فضای جامعه را تغییر دهد. اما نباید حتی لحظه‌ای، رژیم را که مسئول اصلی این بحران، اقتصاد ورشکسته و گرانی کمرشکن است، از زیر ضرب خارج کرد.

آنچه مردم ایران از جامعه جهانی می‌خواهند، حمایت از مبارزاتشان برای دستیابی به آزادی است. ما خواهان انزوای کامل جمهوری اسلامی و تحریم سیاسی این رژیم ضدبشری هستیم. ما خواستار بسته‌شدن سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی و قطع روابط دیپلماتیک با این حکومت جنایت‌کار هستیم که روزانه مرتکب جنایات بی‌شماری علیه مردم ایران می‌شود.

ما می‌خواهیم که هرگونه سازش و مماشات با این رژیم پایان یابد و نمایندگان این حکومت تروریستی از تمامی مجامع بین‌المللی اخراج شوند. از نظر مردم ایران، جمهوری اسلامی هیچ مشروعیتی ندارد و نماینده آنان نیست. همچنین، جامعه جهانی نیز نباید این رژیم وحشی و تروریستی را به عنوان نماینده مردم ایران به رسمیت بشناسد.

اگر دولت‌های غربی سیاست بایکوت کامل جمهوری اسلامی را در پیش می‌گرفتند و از هرگونه معامله و سازش با این رژیم دست برمی‌داشتند، بی‌شک مردم ایران تاکنون با مبارزات و انقلاب خود، این حکومت ضدانسانی را سرنگون کرده بودند. اکنون نیز اگر جامعه جهانی به طرد کامل جمهوری اسلامی بپردازد، مردم ایران در شرایط مساعدتر، با انقلاب خود این رژیم تبهکار را ساقط کرده و به این تنش‌ها پایان خواهند داد.*



دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، روز ۲۷ اسفند در شبکه اجتماعی تروث سوشیال اعلام کرد که از این پس، هر حمله‌ای از سوی حوثی‌ها به عنوان اقدامی از جانب جمهوری اسلامی تلقی شده و تهران مسئول پیامدهای

آن خواهد بود.

این اظهارات، گمانه‌زنی‌ها درباره احتمال حمله نظامی آمریکا به جمهوری اسلامی را افزایش داد، به‌ویژه که ترامپ پیش‌تر هشدار داده بود جمهوری اسلامی نباید به سلاح هسته‌ای دست یابد و گزینه حمله به تأسیسات هسته‌ای رژیم را محتمل دانسته بود.

پس از این تهدید، جمهوری اسلامی از حوثی‌ها خواست سطح تنش با آمریکا را کاهش دهند. با این حال، روز پنجشنبه ۳۰ اسفند، اسرائیل اعلام کرد که موشک پرتاب‌شده از سوی حوثی‌های یمن راه‌گیری و نابود کرده است. این حمله هم‌زمان با هشدار مجدد ترامپ به جمهوری اسلامی مبنی بر توقف حمایت نظامی از حوثی‌ها انجام شد.

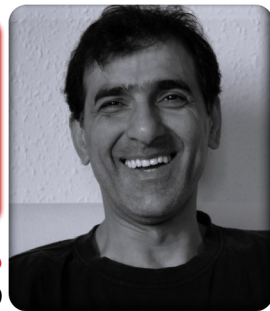
در همین حال، عراقچی، وزیر امور خارجه رژیم اسلامی، تأیید کرد که نامه ترامپ دریافت شده است و گفت که این نامه شامل تهدید و فرصت است و جمهوری اسلامی به‌زودی به آن پاسخ خواهد داد.

احتمال وقوع درگیری نظامی میان دولت‌های اسرائیل و آمریکا از یک سو و جمهوری اسلامی از سوی دیگر کم است. به نظر می‌رسد که این هشدارها بیشتر با هدف فشار بر جمهوری اسلامی برای کشاندن آن به پای میز مذاکره جهت پایان دادن به برنامه هسته‌ای‌اش مطرح می‌شود. در عین حال، جمهوری اسلامی، علی‌رغم رجزخوانی‌های خود علیه آمریکا، در موقعیت بسیار شکننده و وضعیتی قرار دارد و قادر نیست به طور کامل از مذاکره با آمریکا سر باز زند. چندی پیش، عراقچی، برخلاف موضع ظاهری خامنه‌ای درباره مذاکره با آمریکا، گفته بود که مذاکرات غیرمستقیم با آمریکا ایرادی ندارد.

هرچند احتمال درگیری نظامی مستقیم آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی ضعیف است، اما چنین تنش‌هایی به نفع جنبش انقلابی "زن، زندگی، آزادی" نخواهد بود و به روند انقلاب در ایران آسیب خواهد زد. به‌ویژه که در مقایسه با حملات پیشین اسرائیل به مراکز نظامی جمهوری اسلامی، این بار ممکن است حملات متوجه تأسیسات هسته‌ای شود. چنین حملاتی، با توجه به خطرات تشعشعات هسته‌ای، می‌تواند پیامدهای انسانی فاجعه‌باری داشته باشد. حزب کمونیست کارگری ایران، به لحاظ اصولی، خواهان و مدافع هیچ‌گونه حمله نظامی به ایران نیست، زیرا هرگونه جنگ و عملیات نظامی می‌تواند پیامدهای مخرب انسانی، سیاسی و اجتماعی به دنبال داشته باشد. با این حال، ما مردم را فرا می‌خوانیم که تحت هیچ شرایطی از مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی غافل نشوند و اجازه ندهند که این رژیم با دامن‌زدن به فضای جنگی، مبارزات آن‌ها را تحت الشعاع قرار دهد. راحل ما برای جلوگیری از هر نوع حمله نظامی و پایان بخشیدن به هر نوع جنگ احتمالی تشدید مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی است.

از نگاه مردم ایران، جمهوری اسلامی و ماجراجویی‌های خامنه‌ای مسئول وضعیتی هستند که زندگی و امنیت مردم را در معرض تهدید جنگی قرار داده است. مردم ایران در شعارهای خود به‌درستی فریاد می‌زنند: "دشمن

نمای نزدیک: آشنایی با فعالین حزب کمونیست کارگری



کیوان جاوید

مقدمه: در این صفحه، انترناسیونال سراغ فعالین حزب کمونیست کارگری می‌رود و ضمن آشنایی مختصر با این رفقا با مروری بر زندگی سیاسی آنها به جایگاه و اهمیت مبارزه متشکل و حزبی می‌پردازد. هدف به دست دادن تجربه حداکثری این فعالین در عرصه مبارزه سیاسی و انتقال تجربه سیاسی و مبارزاتی است.

انترناسیونال: در اولین سری از این مجموعه مصاحبه‌ها سراغ کیوان جاوید رفتیم. لطفاً مختصراً چگونگی فعالیت سیاسی خودتان را شرح دهید.

کیوان جاوید: ضمن تشکر برای اینکه سراغ من آمدید تا همانطور که گفتید تاریخ فعالیت سیاسی خودم را به اطلاع عموم برسانم. می‌توانم فعالیت سیاسی‌ام را به چندین دوره تقسیم کنم تا پیگیری آن برای خوانندگان شما آسان‌تر باشد. زادگاه من شمال ایران در شهرستان لنگرود است. یک شهر تقریباً ساحلی که به دریاچه خزر نزدیک است و از سمت دیگر محصور در جنگل‌های زیبا است. زندگی در این خطه برای من بسیار نشاط‌انگیز بود. زندگی در دل طبیعت با چهار فصلی که به‌خوبی "وظایف خود را می‌دانستند" واقعاً حال‌وهوای خوبی داشت. بهارهای پُر از شکوفه و درختان پُر از میوه و باغ‌های وسیع چای و برنج و مرکبات می‌تواند توصیفی بسیار دلپذیر از خوشبختی باشد. همچنین تابستان‌هایی گرم برای شنا کردن در دریای خزر و پاییزهای پُر باران و ضریاهنگ باران بر شیروانی خانه‌ها. رعد و برق‌هایی که هر دم قوی‌تر و روشن‌تر دل آسمان تاریک را می‌شکافت و این احساس را به انسان می‌داد که در چهاردیواری خانه در امنیت کامل به سر می‌بری. از زمستان پُر برف در آن سال‌های دور خاطرات دل‌انگیز زیادی دارم (دهه ۴۰ و ۵۰ شمسی). این می‌تواند آخر خط خوشبختی و زیبایی و سرزندگی باشد. همان انتظاری که همه انسان‌ها از زندگی دارند. نمونه‌ای بی‌بدیل از آنچه که از یک دنیای بهتر انتظار داریم.

اما متأسفانه این فقط طبیعت بود که سخاوتمندانه دست یاری و محبت به‌سوی همه دراز می‌کرد. آنچه که این زندگی را تلخ می‌کرد و نمی‌گذاشت همه انسان‌ها از آن لذت ببرند نظام حاکم بر جامعه بود.

انترناسیونال: از نظام حاکم بگویید. مشاهده شما چه بود که در آن سن کم آن را به چشم دیدید و حس کردید؟

کیوان جاوید: من متولد سال ۱۳۴۲ شمسی. هستم. خاطره‌ای کنگ از اولین خانه‌ای که در آن زندگی کردم دارم. خانه را با چراغ‌نبوری و فانوس روشن می‌کردیم و برای گرم کردن خانه هیزم در بخاری می‌انداختیم و نفت هم در هر خانه وجود داشت. حتی بیشتر اوقات آشپزی روی اجاق‌های هیزمی صورت می‌گرفت. همانطور که گفتم خاطره شفاف‌تری از این سال‌ها ندارم. سال ۴۷ یک‌خانه بزرگ ساخته شد که برای اینکه این خانه سرپا بماند سال‌های زیاد خانواده زیر بار قرض و نزول رفت با این وجود خانه ما برق‌دار شد. یادم می‌آید سال ۵۲ وقتی ۱۰ ساله بودم یخچال گرفتیم. جزو اولین خانواده‌هایی بودیم که یخچال داشتند. تابستان‌ها تا جایی که این یخچال بیچاره در توان داشت برای اینکه یخ به همسایه‌ها برساند باید جان می‌کند تا به وظیفه خود عمل کرده باشد. از همین سال‌ها طعم تلخ فقر همسایه‌ها را چشیدیم. یکی از این همسایه‌ها با تعداد زیادی فرزند قدونیم‌قد تقریباً هر روز در حیاط خانه ما سراغ پدرم را می‌گرفت تا مقدار بسیار کمی پول قرض کند که بتواند نان روی سفره بگذارد. قرضی که لاقلاً من نمی‌دانم هرگز تسویه می‌شده یا نه. این را هم اضافه کنم که مادرم اولین زن درس‌خوانده در محل بود که در سنین پایین معلم شده بود. پدرم هم مختصر کشاورزی‌ای داشت و همین باعث می‌شد که "غم نان" نداشته باشیم. من بچه سرکش و بازیگوشی بودم حرف زور از هیچ‌کس قبول نمی‌کردم و در خانه هم از آزادی عمل معقول یک

کودک و نوجوان برخوردار بودم. پدرم یک مخالف تزلزل‌ناپذیر حکومت پهلوی و دشمن فتودال‌ها بود و به قول معرف پول دستی می‌داد تا با آنها سرشاخ شود. در این فضا بود که کم‌کم نابرابری‌ها را دیدم و مستقیماً به این نتیجه رسیدم که مقصر شاه است. از کمبودهای امکانات شهری داستان‌ها می‌ساختم که در دنیای کوچکم اوج مخالفت با بی‌عدالتی بود. سال ۵۴ در تلویزیون محاکمه گل‌سرخی و دانشیان و یارانش را دیدم و دیگر برای من مسلم شد وقتی بزرگ شوم حتماً باید چریک بشوم. این داستان چریک شدن را هم در خانه شنیده بودم. دزدکی به عکس‌های بریده شده از روزنامه‌ها را نگاه می‌کردم که برادر بزرگ‌ترم جمع کرده بود. عکس امیر پرویز پویان یکی از رهبران چریک‌های فدایی خلق که به دست ساواک کشته شده بود را هنوز به یاد دارم.

سال ۵۵ اولین کتاب‌های داستان انتقادی را خواندم. (داستان‌هایی که با ایماواشاره بازتاب‌دهنده مبارزه علیه ظلم بود). یک روز دوست برادرم دستم را گرفت و به کتابخانه محل برد و گفت هر چه کتاب دوست داری انتخاب بکن. من دو کتاب انتخاب کردم. داستان یکی از آنها به نام "بچه آهوی شجاع" را هنوز به‌خوبی به یاد دارم. به یاد دارم این داستان را در وقت انشا برای هم‌کلاسی‌هایم خواندم و از معلم که مظهر دیسیپلین و سخت‌گیری بود و در خفا نیز مخالف شاه به حساب می‌آمد، نمره بیست گرفتم و همه کلاس تشویق کردند.

انترناسیونال: در طول انقلاب ۵۷ چه کردید؟

کیوان جاوید: اواخر تابستان ۵۷ در واقع زندگی‌ام را به‌کل تغییر داد. در مزرعه درو شده از برنج در حال بازی والیبال بودیم که جمعی از دانش‌آموزان را دیدم که در حال راهپیمایی بودند. توپ را زمین گذاشتم و به جمع راه‌پیمایان پیوستم. در نیمه‌راه با صف ژاندارم‌ها روبرو شدیم و تظاهرات از هم پاشید. از آن روز به بعد در مرکز شهر تظاهرات‌های کوچک و بعضاً نسبتاً بزرگی شکل گرفت و من هم همیشه در مرکز این تظاهرات‌ها بودم. اولین شعاری که به یاد دارم شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" هست. یک پرچم با یک شعار با دست خطی نه‌چندان زیبا را هم به یاد دارم عکسی. از گل‌سرخی داشت و نوشته شده بود: "درو در به خون خفتگان خلق". لاقلاً تا دی‌ماه در تظاهرات‌ها خبری از طرف‌داران خمینی نبود.

دی‌ماه در یکی از تظاهرات مورد اصابت گلوله قرار گرفتم و به بیمارستان منتقل شدم و ساعت‌ها زیر عمل جراحی بودم و به قول دکتر جراحم شانسکی زنده ماندم. در همین بیمارستان با جمع زیادی از فعالین سیاسی آشنا شدم که در واقع دوست‌ی‌های دیگر از مجروحان بودند که از ناحیه نخاع گردن مورد اصابت گلوله قرار گرفته و فلج شده بود. طبیه پیراسته و خانواده‌اش و خصوصاً برادر طبیه دیگر مثل بخشی از اعضای خانواده من شده بودند. سامان پیراسته از فعالین چپ بود و با جمع بزرگی از چپ‌های شهر گروهی داشتند که به هیچ یک از سازمان‌های سراسری وصل نبودند و مستقلاً در فکر پیدا کردن راه‌روشن مبارزاتی خاص خود بودند. من نیز بعد از مرخصی از بیمارستان و در واقع بعد از سرنگونی حکومت شاه با آنها همکاری می‌کردم. خیلی زود این جمع به "اتحاد مبارزان کمونیست" پیوستند که واقعاً در تاریخ چپ ایران بزرگ‌ترین تحول سیاسی و فکری را نمایندگی می‌کرد. هر چه که سازمان‌های سیاسی چپ از نظر طول و عرض بزرگ‌تر از اتحاد مبارزان بودند، دل خوبی از این سازمان داشتند؛ اما به لطف گرویدن تعداد زیادی از فعالین چپ به این جریان و بعداً در سال ۶۰ نفوذ سیاسی بسیار بالایی که در دل اکثر سازمان‌های سیاسی چپ پیدا کرد و با تحت‌تأثیر قراردادن کومله در کردستان و تأسیس حزب کمونیست ایران به تنها سازمان معتبر و بزرگ سیاسی چپ در ایران تبدیل شد. اتحاد مبارزان کمونیست در کنار مبارزه

نمای نزدیک: آشنایی با فعالین حزب کمونیست کارگری از صفحه ۱۰

بی‌امان با جمهوری اسلامی، مبرم‌ترین هدفش را تأسیس حزب کمونیست ایران اعلام کرده بود و نتیجتاً با تشکیل حزب کمونیست ایران در سال ۱۳۶۲ خود را منحل کرد؛ چون به گفته رهبری این سازمان به هدف خود که همانا تأسیس حزب بود رسیده بود.

انترناسیونال: از وقتی هوادار اتحاد مبارزان کمونیست شدید چه کارهای ویژه‌ای را شروع کردید؟

کیوان جاوید: پخش اطلاعاتیه و شعارنویسی روی شاخش بود. میز کتاب گذاشتن در سطح شهر و شهرهای مجاور هم از وظایف من بود. مطالعه کردن و آشناس شدن با مواضع سازمان و آشنایی با کمونیسم و مطالعه مانیفست کمونیست و حتی خواندن یک جزوه کوچک که اطلاعاتی در رابطه با مسیر آشناس شدن با کاپیتال و نقد سرمایه‌داری به ما می‌داد از جمله کارهای ما بود. پاییز سال ۵۹ بود که دستگاه چاپ سازمان به خانه ما منتقل شد و من مسئول انتشار جزوات و نشریات و نشریه تئوریک سازمان به نام "به‌سوی سوسیالیسم" شدم. تاریخ اینها البته می‌تواند کاملاً دقیق نباشد.

انترناسیونال: سال ۶۰ را چگونه به یاد می‌آورید؟

کیوان جاوید: شفاف‌ترین خاطره‌ام این است که تنها چند روز پیش از ۳۰ خرداد شصت بعد از تحویل دادن یک چمدان بزرگ از نشریه و جزوات به خانه تیمی، موقع برگشتن به خانه توسط جمع بزرگی از موتورسوارهای حزب‌اللهی محاصره شدم و آن‌چنان کتک خوردم که خون از پشتم جاری شد. یکی از آنها با قمه‌ای که در دست داشت می‌خواست دستم را قطع کند؛ اما با پادرمیانی مردم ولم کردند و من خون‌آلود به خانه برگشتم. بعد از آن مخفی شدم. من به تهران رفتم؛ اما در اواخر تابستان ۶۰ با تماس مسئول تشکیلات گیلان (زنده‌یاد بهروز بابایی که در سال ۱۳۶۲ در اوین اعدام شد) به گیلان برگشتم تا خانه تیمی تهیه کنم. چون خیلی جوان بودم اجازه خانه با پوشش محصلی که می‌خواهد از لنگرود به رشت نقل مکان کند تا در هنرستان صنعتی درس بخواند قابل توجیه به نظر می‌رسید. خانه اجازه کردم؛ اما وقتی نیمه‌شب از دل مزارع برنج درو شده قصد داشتم به خانه بروم تا اسباب و اثاثیه جمع کنم و به خانه جدید منتقل کنم ناباورانه با یک گشت بسیج روبرو شده و بعد از دو ساعت تعقیب توسط جمعی بزرگی از بسیجیان دستگیر شدم. اطلاعاتی که از من داشتند در حد همان پخش اطلاعاتیه و میز کتاب بود. من چون مجروح انقلاب هم بودم بعد از دو ماه بازداشت با گذاشتن سند به طور موقت آزاد شدم. همان روز آزادی به خانه یکی از فعالین سازمان رفتم که فعالیت علنی نداشت و به این دلیل لو نرفته بود. فعالیتم از همان روز آغاز شد و در تیم تدارکات و مسئول دانش‌آموزی سازمان در شهرستان لنگرود سازماندهی شدم. خیلی طول نکشید که در پاییز سال ۶۱ به‌خاطر یک ضربه تشکیلاتی سراسری مجدداً لو رفتم و مجبور به فرار شدم. شش ماه مخفیانه زندگی کردم که باز هم به‌خاطر برقراری ارتباط تشکیلاتی با باقی‌مانده فعالین اتحاد مبارزان کمونیست دستگیر شدم. از دومین روز فروردین سال ۶۲ تا ۲۴ تیرماه سال ۶۶ در زندان‌های مختلف شمال ایران بودم و از آخرین زندانی که به نام زندان نیرو دریایی رشت معرف بود آزاد شدم. خاطراتی که می‌شود مستقلاً در باره آن نوشت. (خاطراتی از اولین مواجهه با شکنجه‌ها و انفرادی‌ها و مبارزه برای حفظ هویت انسانی و تلاش پی‌وقفه برای ادامه بقا) آن سال‌های زندان تجربه بسیار متفاوتی است که باید بیشتر مستند شود.

انترناسیونال: از چه زمانی از ایران خارج شدید؟ کجا رفتی و چه کردید؟

کیوان جاوید: سال ۳۷۲ به ترکیه آمدم در آنکارا با یکی از رفقای حزب در سوئد تماس گرفتم و به حزب وصل شدم. در جلسه‌ای که رفقای حزب مستقر در شهر آنکارا داشتند و من هم به دلیل کمبود اتاق اضافه در جمع آنها حضور داشتم ناخواسته اظهارنظری درباره فعالیت‌های پناهندگی در ترکیه کردم که توجه جمع به جهت فکری من جلب شد. پیشنهاد دادند یک ماه بعد که وقت تعیین انتخاب دبیر شورای پناهندگان است من کاندید شوم.

گفتم من هیچ اطلاعی از کارهای پناهندگی ندارم چطور می‌توانم چنین مسئولیتی را قبول کنم؟ قول دادم همه دانش و تجربه‌شان را به من منتقل کنند و همین‌طور هم شد. در انتخاباتی که برگزار شد از میان دو کاندید من برگزیده شدم و تازه فهمیدم عجب کار سختی است. واقعاً یک فعالیت شبانه‌روزی بود و با همکاری جمعی در مسیر همان فعالیت‌های گذشته کارهای مفید فراوانی انجام دادیم. ۱۱ ماه در ترکیه ماندم و در نوامبر ۱۹۹۴ به‌عنوان پناهنده سیاسی وارد آمریکا - نیویورک - شدم. در نیویورک کارهای متنوعی صورت دادم در واقع فعالیت حزب کمونیست کارگری را در نیویورک سازمان دادم. تعداد زیادی عضو گرفتم و تعداد زیادی هم دوستدار و فعال جذب حزب شدند. شش سال فعالیت در نیویورک باعث شد تظاهرات بزرگی سازمان بدهیم و فعالیت‌های وسیعی در دفاع از پناهندگان ایرانی داشته باشیم و تبدیل به یک حزب شناخته شده با تعداد زیادی عضو در میان فعالین سیاسی ایرانی شناخته شویم. از سال ۱۹۹۴ تا سال ۲۰۰۳ از مسئولین سازمان "فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی" بودم. سال ۲۰۰۰ برای نزدیک‌تر بودن به رهبری حزب به انگلستان آمدم و حالا نزدیک به ۲۵ سال است که در انگلستان زندگی می‌کنم. سال ۲۰۰۴ تقریباً چند ماه بعد از تأسیس تلویزیون کانال جدید به‌عنوان مدیر داخلی به جمع فعالین تلویزیون پیوستم و سال ۲۰۰۶ به‌عنوان مدیر تلویزیون کانال جدید انتخاب شدم. کار در کانال جدید درس‌های بسیار زیادی برای من داشت. در این عرصه تقریباً هیچ نمی‌دانستم؛ اما یاد گرفتم با تعداد زیادی داوطلب یک کار حرفه‌ای - تکنیکی و سیاسی را سازمان بدهیم. با کمترین امکانات فنی و با حمایت تعداد معینی داوطلب که در جریان کار حرفه‌ای شده بودند یکی از بهترین و سیاسی‌ترین و مبارزترین تلویزیون‌های مخالف جمهوری اسلامی را نه‌تنها سرپا نگه داشتیم؛ بلکه به یک تلویزیون محبوب تبدیل کردیم. طی سال‌ها فعالیت به هر کشوری که سر می‌زدیم یک استودیوی جدید با امکانات خوب درست می‌کردیم. پولش را یا مستقیم حزب می‌داد یا از مردم محل جمع‌آوری می‌کردیم. غیر از لندن در استکهلم و گوتنبرگ و تورنتو استودیو برپا شد و ده‌ها فعال داوطلب آموزش داده شدند تا به‌عنوان کادرفنی و مجری انجام‌وظیفه کنند. تأثیری که کانال جدید بر فضای سیاسی ایران گذاشت باید مستقلاً مورد بررسی قرار بگیرد. سال ۲۰۲۱ بود که از رهبری حزب تقاضا کردم که اگر ممکن باشد من از فعالیت به‌عنوان مدیر کانال جدید کناره‌گیری کنم که موافقت شد و واقعاً "جان سالم" بدر بردم. فشار کار در کانال جدید با هیچ کار دیگری برای من قابل قیاس نیست. با این‌وجود یکی از بزرگ‌ترین افتخارات زندگی من است. لازم به گفتن است که حین فعالیت به‌عنوان مدیر نشریه زن آزاد (علیه تبعیض) را سال‌ها منتشر کردم چرا که شخصاً برای من کار در حوزه دفاع از حقوق زنان بسیار بااهمیت بود و هست.

از سال ۲۰۲۲ نیز نشریه روزانه ژورنال را پایه‌گذاری کردم و به‌عنوان مدیرمسئول از سه سال و نیم پیش تا امروز این نشریه روزانه منتشر می‌شود. یک جمع سردبیران ۵ نفره در رأس همه امور سیاسی نشریه قرار دارند و یک جمع تقریباً ۴۰ نفره از اعضای حزب در خارج کشور هر روز نشریه را به دست لیست معینی از خوانندگان در ایران می‌رسانند و مجموعاً بیش از ۲۰ نویسنده برای ژورنال می‌نویسند. نشریه روزانه داشتن هم کار بسیار دشواری است و آدم نمی‌تواند حتی یک روز استراحت کند. این کار به همت سردبیران و نویسندگان و تیم پخش ممکن شده است. در ایران جمع‌ها و دوستداران ژورنال نشریه را به دست دوستان و آشنایان خود می‌رسانند و سایت‌ها و رسانه‌های زیادی هم هر روز نشریه را دریافت می‌کنند. اینها خلاصه‌ای از فعالیت من است که امیدوارم با بیان خوانندگان را خسته نکرده باشم. در انتها اضافه کنم در سال ۲۰۰۰ مشاور کمیته مرکزی و در سال ۲۰۰۴ عضو کمیته مرکزی و از سال ۲۰۰۷ عضو دفتر سیاسی و در حال حاضر عضو هیئت اجرایی حزب کمونیست کارگری هستم. اما آنچه برای من مهم است اینکه در ایران جمهوری اسلامی را با کمک و همیاری همه مردم سرنگون کنیم و یک جامعه آزاد و برابر و سوسیالیستی پایه‌گذاری کنیم. حزب کمونیست کارگری محصول نبردی طولانی است و هدفش سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد حکومتی انسانی برای جامعه‌ای انسانی است. همگان را دعوت می‌کنم به این حزب بپیوندند. به قول منصور حکمت: "این حزب شما است".*

فرمان ترامپ مبنی بر تعطیلی رسانه‌ها

مهران محبی

ترامپ در یکی از فرمان‌های اجرایی اخیر خود رسانه‌های "صدای آمریکا" و "رادیو اروپای آزاد" (رادیو فردا) با سوابق فعالیت از نزدیک به نیم‌قرن تا بیش از ۸۰ سال که هزینه‌های آنها را دولت آمریکا تأمین کرده، تعطیل و هزاران کارمند شاغل در آن‌ها را بیکار کرده است.

این فرمان ترامپ محدود به رسانه‌های صدای آمریکا و رادیو اروپای آزاد نیست و بودجه "آژانس رسانه‌های آمریکا" و شش نهاد مرتبط با فعالیت‌های مدنی را نیز شدیداً کاهش داده است. کاخ سفید در متنی در این ارتباط نوشته است که "فرمان ترامپ برای اطمینان از این است که مالیات‌دهندگان دیگر مجبور به تأمین هزینه‌های تبلیغات رادیکال نخواهند بود".

در متن مذکور، دلایل ترامپ برای امضای فرمان تعطیل کردن رسانه‌های اشاره شده، یکی "صرفه‌جویی در مخارج اداری دولت، و دیگری گرایش سیاسی این رسانه‌ها است که بنا بر ادعای ترامپ "مروج پروپاگانداهای رادیکال" هستند، عنوان شده‌اند.

اقدام ترامپ برای محدود کردن هزینه‌های رسانه‌ای و تعطیلی برخی رسانه‌ها، تصمیمی نبوده که به‌تازگی گرفته شده باشد. هنوز چند روز از پیروزی ترامپ در انتخابات نگذشته بود که "ایلان ماسک" که توسط ترامپ مسئول هدایت یک سازمان تازه تأسیس تحت عنوان "کارآمدی دولت" با هدف کاهش هزینه‌های دولتی شده بود، خواستار تعطیلی رادیو اروپای آزاد و صدای آمریکا شد. دلیل ایلان ماسک برای تعطیلی این رسانه‌ها هم این بود که اینها تبدیل به رسانه‌هایی با گرایش "چپ افراطی" شده‌اند که مالیات‌دهندگان آمریکایی باید هزینه آن‌ها را پرداخت کنند.

این اتفاق به دنبال یک فرمان اجرایی دیگر که ۸۳ درصد بودجه "آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا" را لغو کرد، افتاده است. آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا از دهه ۶۰ میلادی قرن بیستم با عنوان "توسعه دموکراسی" و به اصطلاح "کمک‌های بشردوستانه" ایجاد شده که از جمله نمادهای حضور و نفوذ جهانی آمریکا در دوران جنگ سرد بشمار می‌رفته است.

واضح است که باید میان "صدای آمریکا" و رادیو اروپای آزاد و همچنین

رادیو آسیای آزاد تفاوت قائل شد. "صدای آمریکا" گرچه نزدیک به دو دهه است که زیر فشار اعتراضات و خیزش‌ها و در نهایت زیر فشار انقلاب "زن، زندگی، آزادی" ناچار به بازتاب گوشه‌هایی از واقعیات در ایران به نفع مردم شده است، یک رسانه دولتی است که در نیمه جنگ دوم جهانی با هدف مقابله رسانه‌ای و تبلیغاتی با شوروی سابق و بلوک شرق منتسب به بلوک سوسیالیستی (سرمایه‌داری دولتی) راه‌اندازی شده است. اما رسانه‌ای مانند رادیو اروپای آزاد علی‌رغم اینکه بودجه‌اش را از دولت آمریکا می‌گیرد، تا حدی مستقل عمل کرده و بر موضوعات حقوق بشری و مقابله با سانسور اخبار در کشورهای دارای حکومت‌های دیکتاتوری عمدتاً در آسیا و شرق تمرکز داشته است. به همین خاطر همانطور که رئیس صدای آسیای آزاد هم گفته، تعطیلی رادیو اروپای آزاد و رادیو آسیای آزاد باعث خوشحالی و استقبال جمهوری اسلامی و دیکتاتوری‌های کره شمالی، چین و مسکو شده است.

این رسانه‌ها با وجود اینکه هیچ کدامشان مرزهای دموکراسی و حقوق بشری ترسیم شده توسط لیبرالیسم سرمایه‌داری را نقض نکرده‌اند، ولی از نظر ترامپ و مشاورش ایلان ماسک که ناسیونال - فاشیسم قرن بیست و یک را نمایندگی می‌کنند، به "چپ افراطی" گرویده و باید تعطیل شوند.

گردش آزاد اخبار و بحث پیرامون حقوق بشر. در رسانه‌های تقریباً مستقل در تقابل با سیاست‌های مداخلات گرانه و کاسب کارانه دولتی مانند آمریکای تحت رهبری ترامپ قرار می‌گیرد و باید تعطیل شوند.

اما این سیاست‌ها و برنامه‌های انحصارگرانه رسانه‌ای به راحتی قابل دوام نخواهند بود. دنیا، همچنان دنیای تقابل‌ها و تضادها است و حاکمان سرمایه‌داری تنها حاضرین در میدان نیستند تا هر آنچه که بخواهند انجام دهند. ناسیونالیسم خود یک زائده در دنیای به هم پیوند خورده امروز به یمن رشد تکنولوژی اینترنت و ماهواره و اجتماعی شدن تولید و بر مبنای آن، به هم گره خوردن همه عرصه‌ها و مراودات جوامع بشری است و در صورت عروج (مانند نمونه ترامپ در آمریکا) سریع به بن‌بست خواهد رسید و ضرورت‌ها و نیازهای امروزی و رو به پیشرفت جوامع بشری از روی آن عبور خواهند کرد.*



اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران قتل عام ۴۰۰ نفر دیگر در غزه نابود باد دولت فاشیست اسرائیل

شده‌اند. حماس تروریست و دولت جنایت‌کار اسرائیل برای تداوم حیات ضدبشری خود جان مردم بی‌دفاع را می‌گیرند تا سلطه و موقعیت خود را تثبیت کنند.

بهانه این جنایت هر چه باشد، بهای سنگین آن را نباید مردم بی‌دفاع با جان خود بپردازند. ترامپ و نتانیاهو و دیگرانی که در این جنایت مستقیم یا غیرمستقیم دخیل هستند باید با موج جهانی اعتراض روبرو شوند. اینها هیترهای این دوره و زمانه هستند. حماس تروریست و جمهوری اسلامی حامی این آدمکشان نیز آن روی دیگر این توحش و جنایت‌اند.

جهان باید علیه این توحش قد علم کند. باید در سراسر جهان به خیابان آمد. باید زمین‌وزمان را بر سر این جانان خراب کرد. باید با صدای بلند فریاد برآورد که دیگر بس است. کشتار کودکان گرسنه و زنان و مردان بی‌دفاع که لحظه‌ای در این سرزمین بلانده روی آسایش و آرامش ندیده‌اند باید برای همیشه خاتمه پیدا کند.

نابود باد دولت فاشیست اسرائیل

نابود باد تروریسم اسلامی

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۸ اسفند ۱۴۰۳، ۱۸ مارس ۲۰۲۵

بامداد روز سه‌شنبه ۲۸ اسفند (۱۸ مارس) حملات هوایی توسط فاشیست‌های حاکم بر اسرائیل که «سنگین‌ترین حملات از زمان آغاز آتش‌بس» توصیف شده در سراسر نوار غزه دست‌کم منجر به قتل عام ۴۰۰ نفر از مردم شده است.

دولت اسرائیل اعلام کرد که به دنبال عدم پیشرفت در مذاکرات تمدید آتش‌بس و سر باز زدن حماس از آزادی گروگان‌ها، اقدام به این حملات هوایی کرده است. این اقدام دولت اسرائیل با واکنش شماری از دولت‌ها مواجه شده است.

کارولین لویت سخنگوی کاخ سفید اعلام کرد که اسرائیل روز دوشنبه درباره این حملات با واشنگتن رایزنی کرده و «همانطور که پرزیدنت ترامپ تصریح کرده، حماس، حوثی‌ها، ایران، همه کسانی که به دنبال ارباب نه‌تنها اسرائیل، بلکه ایالات متحده آمریکا هستند، تاوان آن را خواهند دید. جهنم به پا خواهد شد.»

این جهنم مدت‌ها در غزه برپا است. آتش سوزان این جهنم که به دنبال کشتار حماس از شهروندان اسرائیل توسط دولت اسرائیل برپا شده با مدرن‌ترین سلاح‌های کشتار جمعی ارسالی و چراغ‌سبز مداوم دولت آمریکا جان بی‌دفاع‌ترین انسان‌های نگون‌بخت در غزه را می‌گیرد. انسان‌هایی که در منگنه یک جنگ دهشتناک و کثیف از دو سو اسیر

پیش به سوی ایجاد شوراهای سازماندهی اعتراضات

جمهوری اسلامی در آستانه فروپاشی قرار گرفته و صفوفش در حال به هم ریختن است. زمان آن فرارسیده است که همه‌جا خود را متشکل کنیم. شوراهای سازماندهی یک ضرورت عاجل در شرایط کنونی و یک شیوه مهم سازماندهی در همه کارخانه‌ها و مراکز تولیدی و خدماتی، و در محلات همه شهرها است. رژیم در ضعیف‌ترین موقعیت خود قرار گرفته و شرایط برای متشکل شدن از همیشه آماده‌تر است.

شوراهای سازماندهی در نفت، شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران و شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی معلمان الگوهای مناسبی برای ایجاد این شوراهای در همه مراکز کارگری و در محلات مختلف شهرها است.

شوراهای سازماندهی اعتراضات ابزار مناسبی برای متحد نگه داشتن مردم و هدایت اعتراضات و اعتصابات است. ابزار مهمی برای متحد کردن و متشکل کردن مردم حول شعارهای آزادی‌خواهانه و متحدانه و جلوگیری از شعارهای انحرافی است. ابزار دخالت توده‌های وسیع مردم و ابزار مؤثری در ادامه کاری مبارزه است.

حزب کمونیست کارگری فعالین سیاسی و اجتماعی و فعالین و رهبران کارگری، جوانان معترض و همه بخش‌های جامعه را فرامی‌خواند که در هر شهر و محلی که می‌توانند، دست‌به‌کار ایجاد شوراهای شوند. حزب کمونیست کارگری از هر اقدام و ابتکار عملی در این راستا حمایت می‌کند و از تبادل نظر و شنیدن نظرات و پیشنهادات فعالین برای شکل دادن به شوراهای سازماندهی به گرمی استقبال می‌کند.

حزب کمونیست کارگری ایران

کمپین یک ماهه جمع آوری ۱۵۰ هزار دلار کمک مالی!

امسال هم کمپین مالی حزب را با امید به کمک‌های شما مردم شریف و آزاده شروع می‌کنیم. کمک‌های شما تا کنون به ما امکان داده است که فعالیت‌های گسترده‌ای را در همه عرصه‌های مبارزه در داخل و خارج کشور علیه جمهوری اسلامی، برای آزادی و برابری و در دفاع و ادامه انقلاب زن زندگی آزادی به‌پیش ببریم.

تلاش شبانه‌روزی ما در داخل و خارج کشور این است که صفوف مردم معترض و انقلابی را حول خواست‌ها و آرمان‌های عمیق انسانی متحد و متشکل کنیم. ما فعالیت‌های گسترده و پی‌وقفه‌ای را همراه با هزاران فعال جنبش‌های مختلف اجتماعی برای تقویت این جنبش‌ها و برای متحد و متشکل کردن این جنبش‌ها در مقابل جمهوری اسلامی در عرصه‌های مختلف مبارزه به‌پیش می‌بریم. از مبارزه برای دفاع از حرمت و حقوق کودک تا مبارزه علیه حجاب و آپارتاید جنسیتی و گسترش جنبش آزادی زن، از مبارزه علیه مجازات اعدام و متوقف کردن اعدام‌ها تا فعالیت برای آزادی زندانیان سیاسی، از دفاع از آزادی‌های بی‌قید و شرط سیاسی تا تلاش برای متحد کردن کارگران، معلمان، بازنشستگان، دادخواهان، پرستاران، دانشجویان و دفاع از حقوق ال جی بی تی کیو پلاس‌ها و حفظ محیط‌زیست، تا دفاع از حقوق پناهندگان و از سازماندهی تظاهرات‌ها در خارج کشور تا مبارزه علیه اسلام سیاسی و برای بایکوت سیاسی و اخراج جمهوری اسلامی از نهادهای بین‌المللی و اکنون طبق سنت هر ساله، موعد آن فرارسیده تا برای ادامه و گسترش این فعالیت‌ها، از جمله اداره تلویزیون کانال جدید که ۲۴ ساعته که از دو ماهواره پخش می‌شود، شما را به حمایت مالی از حزب کمونیست کارگری دعوت کنیم.

ما دست یاری به‌سوی همه مردم شریف و آزاده، از کلیه فعالینی که در داخل و خارج کشور به امر متحد و متشکل کردن مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی مشغول‌اند، کلیه مردمی که با حزب کمونیست کارگری و فعالیت‌ها و سیاست‌هایش آشنایی دارند و آن را نیروی مؤثر و مثبتی در امر رهایی می‌شناسند دراز می‌کنیم تا در کنار هم و با قدرتی بیشتر این مبارزه را به سرانجام برسانیم.

امیدواریم بتوانیم طی یک ماه از ۱۵ فوریه تا ۱۵ مارس (۲۷ بهمن تا ۲۷ اسفند) حداقل مبلغ ۱۵۰ هزار دلار جمع‌آوری کنیم. سال‌های گذشته نیز کمپین مالی سالانه ما به لطف حمایت شما موفق به جمع‌آوری بیش از ۱۰۰ هزار دلار شد. امیدواریم امسال از این مبلغ فراتر برویم. طبق معمول آمار و ارقام این کمپین برای اطلاع عموم منتشر خواهد شد.

پیشاپیش دست همه عزیزانی که با کمک‌های خود به ادامه و گسترش فعالیتی وسیع برای متحد کردن صفوف مردم و سرنگونی جمهوری اسلامی و تحقق جامعه انسانی در ایران یاری می‌رسانند را به گرمی می‌فشاریم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۴ بهمن ۱۴۰۳، ۱۲ فوریه ۲۰۲۵

برای پرداخت کمک‌های خود می‌توانید از طریق شماره حساب‌های زیر و یا از طریق تماس با تشکیلات‌های حزب اقدام نمایید:

شماره حساب‌ها و تلفن‌های تماس:

Sweden

NordeaPlusgirokonto: 4122379-3

Bankkontonummer: 9960264 1223793

IBAN: SE1095000099602641223793

BIC: NDENSESS

Germany

Name: M. Eli

Bankverbindung: Postbank

IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23

BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

Bank: NatWest

Account holder: WPI

Account number: 45477981

Sort code: 60-24-23

IBAN: GB77NWBK60242345477981

BIC: NWBKGB2L

سؤالی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس بگیرید:

تماس از خارج: سیامک بهاری ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از آمریکای شمالی: بابک یزدی ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

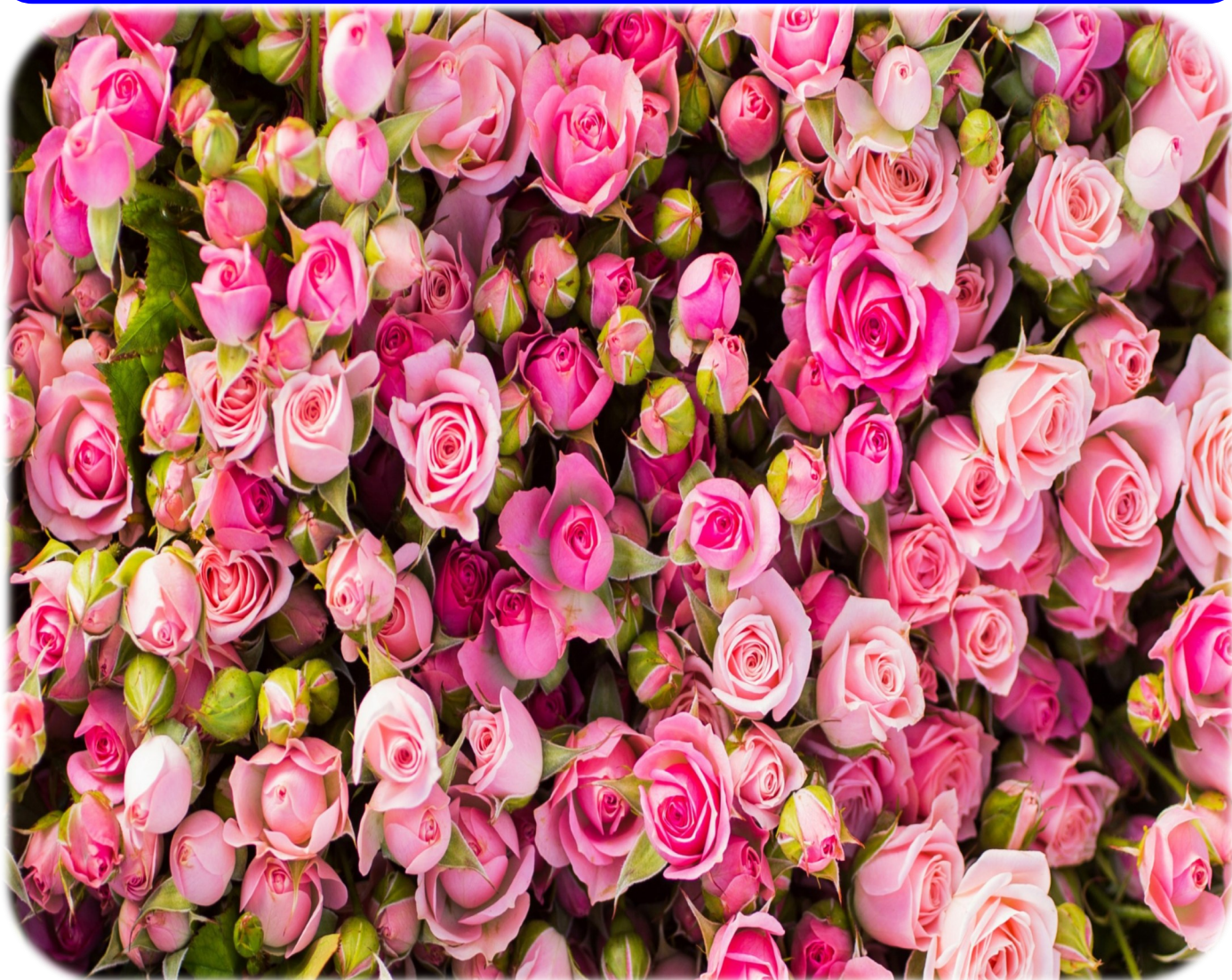
تماس از ایران

شهلا دانشفر: ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

کمپین مالی حزب (لیست شماره ۵)

- در پاسخ به فراخوان حزب برای جمع‌آوری حداقل ۱۵۰ هزار دلار کمک مالی برای تأمین بخشی از نیازهای مالی حزب (و از جمله کانال جدید) تا امروز معادل ۱۲۴۰۷۰ دلار آمریکا جمع‌آوری شد. از تمام عزیزانی که به این کمپین کمک کرده‌اند صمیمانه قدردانی می‌کنیم. از مخالفین جمهوری اسلامی در داخل و خارج کشور، از همه آنها که قلبشان برای جامعه‌ای آزاد و برابر و خوشبخت می‌تپد و از همه فعالین انقلاب زن زندگی آزادی دعوت می‌کنیم به حزب کمک کنید. به ۲۵۹۳۰ دلار دیگر نیاز داریم تا به هدف اعلام شده کمپین برسیم.
- کمک‌های شما، به هر میزان مایه افتخار و اتکای این حزب است. حمایت مالی شما از حزب به گسترش فعالیت‌های ما علیه جمهوری اسلامی، علیه سرکوب و اعدام و زندان و فعالیت برای متحد و متشکل کردن مردم معترض و پیشروی انقلاب زن زندگی آزادی کمک می‌کند. این حزب همه شما مردمی است که سرنگونی جمهوری اسلامی و ساختن جامعه‌ای خوشبخت و آزاد و انسانی را آرزو می‌کنید و برای آن تلاش می‌کنید.
- اسی هدفمند ۳۰۰ یورو
- علی ۵۰۰ دلار آمریکا
- عبدالله سلیمان ۵۰ دلار کانادا
- عمر کریمی ۱۰۰ دلار کانادا
- جبار محمد ۱۰۰ یورو
- کیوان ۵۰ یورو
- کمک به مدیای اجتماعی حزب از آلمان ۹۵۰۰ یورو
- رضا اکبری ۷۰۰ کرون
- نیما فروزان ۵۰۰ کرون
- مهدی نبوی ۲۰۰ یورو
- کمیته فرانکفورت حزب ۳۰۰ یورو
- علی ترکیه ۵۰ یورو
- لیلا احسانی ۲۵ یورو
- دانیال آبادانی ۱۰۰ یورو
- دوستان کاوش ۹۲۰۰ کرون
- ۶۷‌های امیدوار ۳۰۰ دلار آمریکا
- سینا پدرام ۲۰ هزار پوند
- مهران ونکوور ۱۰۰ دلار کانادا
- حمید ونکوور ۱۰۰ دلار کانادا
- رایپک ونکوور ۵۰ دلار کانادا
- دوستی از همیلتون ۱۵۰ دلار کانادا
- Raf ۵۰ پوند
- مهرداد ویرجینیا ۵۰ دلار آمریکا
- آرمان ۲۰ دلار آمریکا

جمع لیست پنجم ۳۸۷۹۰ دلار آمریکا



سایر اطلاعاتی های هفته اخیر

تجمع اعتراضی کارگران ارکان ثالث واحد نرگسی شرکت نفت و گاز گچساران و پرستاران

کارگران نفت و پرستاران اولتیماتوم می دهند

روز گذشته ۲۵ اسفند کارگران ارکان ثالث واحد نرگسی شرکت نفت و گاز گچساران برای پیگیری خواست هایشان و در اعتراض به مصوبه مزدی و جنایت کارانه شورای عالی کار مبنی بر تعیین دستمزد ده میلیون تومان دست به تجمع زدند. یک اقدام جالب این کارگران تشکیل مجمع عمومی و اعلام اولتیماتومی یک ماهه به مدیران و مقامات مسئول در نفت است. این کارگران اعلام کردند اگر در این یک ماهه نسبت به تحقق خواسته های آنان، از جمله افزایش مزد برابر با شرایط بحرانی و گرانی افسارگسیخته بازار و حذف کامل شرکت های پیمانکاری و تبدیل وضعیت استخدامی مان اقدام نشود، با تغییر شکل اعتراضات خود به صورت تماموقت و هرروزه دور جدید اعتصاباتشان را در پیش خواهند گرفت و تا تحقق کامل خواسته های خود به شرایط قبل باز نخواهند گشت. شورای سازماندهی کارگران غیررسمی نفت (ارکان ثالث) ضمن گزارش این خبر تمامی کارگران ارکان ثالث و پیمانکاری و همه بخش های دیگر نفت را به اتحاد و اعتراض بر علیه سرکوب مزدی حکومت حامی پیمانکاران مفت خور و مسبب اصلی فقر و فلاکت و تبعیضات کنونی ساختار ضد کارگری موجود فراخوانده است.

در روز شنبه ۲۴ اسفندماه شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران ضمن گزارش اخبار اعتراضات گسترده کادر درمان در یک ماه اخیر در اعتراض به مصوبه مزدی حکومت و با اولتیماتوم به ادامه اعتراضات، می نویسند: "همانطور که قبلاً نیز اعلام کردیم بنا به افزایش نرخ دلار، هزینه واقعی سبد معیشت به بالای ۶۰ میلیون تومان رسیده است و تعیین حداقل مزد ده میلیون تومانی، تعرض هر چه بیشتر به معیشت و زندگی ما می باشد و در برابر آن سکوت نخواهیم کرد. اعلام می کنیم از حق داشتن یک زندگی استاندارد کوتاه نمی آیم و در صورت پاسخ نگرفتن، برای دستیابی به مطالبات شغلی و معیشتی خود با قدرت و اتحاد هر چه بیشتر به صورت سراسری و همزمان به میدان خواهیم آمد."

در بیانیه خبری این شورا در مورد اعتراضات گسترده پرستاران برای پیگیری مطالبات خود به بیش از سی اعتصاب و تجمع از سوی بخش های مختلف پرستاران در ماه پایانی سال گزارش شده است. این اعتراضات شهرهای بزرگ و کلیدی ای چون تهران، کرج، مشهد، اهواز و اصفهان و تبریز، یزد، و زنجان، همدان، اراک، بندرعباس، گستان، تا میناب و دهلران و لردگان و باغملک و بهروزان گیلان و مازندران را در بر می گیرد. از جمله در تهران بیمارستان های بزرگی همچون گاندی، میلاد، لقمان، دانشوری و رازی، و در کرج بیمارستان های کمالی و امام علی و رجایی و در مشهد اعتراضات گسترده ای در جریان بوده است. از جمله در روز شنبه پرسنل رادیولوژی استان گستان در اعتراض به عدم پرداخت مزایا و ناترازی اضافه کار و قوانین بهره روری تجمع داشتند.

اعتراض پرستاران به خلف وعده ها، عدم پرداخت معوقات، پایین بودن سطح حقوق و مزایای و نابودی معیشت و زندگی شان است. مالیات های سنگین بر حقوق های ناچیز خشم آنان را شدت داده است. در بخشی از بیانیه پرستاران چنین آمده است: "ما پرستاران و کادر و پرسنل درمان، با اعتراضات خود تابه حال توانسته ایم بر همه تهدیدها و فشارها مبنی بر پرونده سازی و تبعید و اخراج دست رد بزنیم و با صدای متحد اعلام کرده ایم چیزی برای از دست دادن نداریم و حاضر به بردگی و بیگاری نیستیم. در جاهایی که قدرتمند وارد شدیم توانستیم اندکی از حقممان را هرچند قطره چکانی از حلقوم مافیای بهداشت و درمان بیرون بکشیم و عقب نشینی هایی را به آنها تحمیل کنیم. اندک دریافتهای تاکتونی ما به مدد اعتراضات و اعتصاباتمان است."

تجمعات بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد و معدن و اخباری دیگر

امروز یکشنبه ۲۶ اسفند بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد در اعتراض به فقر و گرانی و بی پاسخ ماندن مطالبات خود در شهرهای شوش، رشت و اهواز تجمع و اعتراض کردند. بازنشستگان فولاد نیز در اصفهان و اهواز تجمع کردند.

در اهواز بازنشستگان تأمین اجتماعی مقابل اداره کل سازمان تأمین اجتماعی خوزستان تجمع و راهپیمایی داشتند و از جمله شعار می دادند "درمان رایگان حق مسلم ماست!"، "معیشت، منزلت، درمان رایگان، حق مسلم ماست!"، "معتز زندانی آزاد باید گردد!"، "دشمن ما همین جاست، دروغ میگو آمریکاست!"، "بازنشسته بیا خیز علیه ظلم و تبعیض"، "بازنشسته، اتحاد اتحاد!"، "تجمع، اعتراض، حق مسلم ماست"، "به دزدی عادت کردن، ما رو بیچاره کردن"، "تورم بی نهایت، دولت بی کفایت!".

در شوش بازنشستگان مقابل فرمانداری تجمع و راهپیمایی کردند. در این تجمع اعتراضی کارگران شعار می دادند: "نه مجلس نه دولت نیستن به فکر ملت"، "از خوزستان تا تهران مرگ بر این مدیران"، "معلم زندانی، کارگر زندانی آزاد باید گردد!".

بازنشستگان تأمین اجتماعی در این شهر با راهپیمایی خود از درب فرمانداری به طرف دفتر نماینده مجلس اسلامی با فریاد شعارهایشان و سر دادن سرود "زیر بار ستم نمی کنیم زندگی، جان فدا می کنیم در ره آزادی..." صحنه زیبایی از اعتراض را آفریدند.

بازنشستگان فولاد نیز در این روز مثل یکشنبه های گذشته تجمع داشتند. بازنشستگان فولاد در اصفهان در خیابان نشاط و اهواز مقابل صندوق حمایت و بازنشستگی کارکنان فولاد راهپیمایی داشتند. بازنشستگان فولاد شعار می دادند "فولادی داد بزن حق تو فریاد بزن"، "فقط کف خیابون به دست میدا حقمون!".

اعتراضات بر سر معیشت گسترده است. روز گذشته ۲۵ اسفند رانندگان میکسر در مشهد در اعتراض به جریمه شهرداری و کم بودن سهمیه گازوئیل و مشکلات کاری و معیشتی خود دست به اعتصاب و تجمع زدند. در این روز همچنین تجمعات اعتراضی رانندگان در اعتراض به توقیف کشنده هایشان در مرز ترکیه؛ و در اعتراض به فساد سیستماتیک در صنعت و معدن و ارگان های مربوط ادامه داده و مقابل بازرسی کل کشور تجمع کردند.

همچنین در روز شنبه ۲۴ اسفند کارگران شیشه سازی مینا در تهران وابسته به بنیاد مستضعفان به ریاست سردار دهقان و نیز کارگران شعبه دوم شیشه سازی مینا در شهرک صنعتی البرز در قزوین در اعتراض به معوقات مزدی خود دست به اعتصاب و تجمع زدند. به گفته کارگران ۵ سال است که به آنها هیچ گونه مزایایی پرداخت نشده است.

در روز شنبه اهالی روستای کمرکوه شهرستان طارم در زنجان به خاطر مشکل آب و با دردست داشتن بنرهایی که رویش نوشته بود "آب نداریم" تجمع کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ اسفند ۱۴۰۳، ۱۶ مارس ۲۰۲۵

جمهوری اسلامی سرنگون باید گردد!

۲۷ اسفند: تجمعات بازنشستگان مخابرات و اخباری دیگر

امروز ۲۷ اسفند بازنشستگان مخابرات در آخرین هفته از دوشنبه‌های اعتراضی خود در سال جاری در اعتراض به مشکلات معیشتی و علیه فقر و گرانی و اختلاسگری‌ها در چندین شهر تبریز، رشت، بیجار، بندرعباس تجمع کردند و پیگیر مطالباتشان شدند. در این تجمعات بازنشستگان شعار می‌دادند: "تا حق خود نگیریم، از پا نمی‌نشینیم"، "سهامدار عمده حق ماها را خورده"، "بنیاد تعاون حق ماها را خورده"، و "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن".

اهم مطالبات فوری بازنشستگان مخابرات عبارت‌اند از: اجرای بدون تنازل بند ۶ و ۹ مصوبه اسفندماه سال ۸۵ هیئت وزیران، آیین‌نامه ۸۹/۲۴ مردادماه سال ۸۹ هیئت‌مدیره وقت شرکت مخابرات ایران و دیگر سهام‌داران عمده شرکت.

در روز گذشته ۲۶ اسفندماه کارگران و بازنشستگان صنایع مخابراتی راه دور در شیراز نیز در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مطالبات معوقه و با فریاد شعارهای "زندگی، معیشت، حق مسلم ماست!"، "۴۰۳ سرآمد، مطالبات نیومد" دست به تجمع و راهپیمایی زدند. در این روز کارکنان جهاد کشاورزی در ایلام نیز در اعتراض به حقوق بسیار پایین این وزارتخانه در محوطه سازمان جهاد کشاورزی تجمع کردند و در همین رابطه در روز قبلش کارگران جهاد کشاورزی در کرمانشاه و سرپل ذهاب تجمع داشتند.

در ۲۵ آذر اپراتورهای شرکتی برق منطقه‌ای غرب در اعتراض به عدم تبدیل وضعیت شغلی و بری بهبود شرایط مزدی و کاری خود بار دیگر مقابل درب استانداری کرمانشاه تجمع کردند.

بدین‌گونه کارگران با تجمعات اعتراضی خود و اولتیماتوم‌هایشان در بخش‌های مختلف جامعه سال ۱۴۰۳ را سپری کرده و برای اعتراضات گسترده‌تر و متحدانه‌تر آماده می‌شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۷ اسفند ۱۴۰۳، ۱۷ مارس ۲۰۲۵

تجمعات پرستاران، کارگران رسمی نفت در لاوان، متقاضیان مسکن ملی قزوین، و کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام

روزهای پایان سال است و مردم در تهران و شهرهای مختلف کردستان و جنوب و مناطق دیگر با رقص مختلط زن و مرد و زیر پا له کردن بساط آپارتاید جنسیتی سالی پر از اعتراض برای رهای از جهنم جمهوری اسلامی را نوید می‌دهند. در عین حال تا آخرین روزها اعتراضات بر سر معیشت و رفاه و علیه زندان و اعدام با گستردگی جریان دارد.

امروز بیست و هشتم اسفندماه در چند ساعت مانده به جشن چهارشنبه‌سوری پرستاران در کردستان در اعتراض به بی‌پاسخ ماندن مطالبات خود در برابر استانداری کردستان تجمع کردند. در روز گذشته نیز جمعی از پرسنل فوریت‌های پزشکی جوانرود مقابل ساختمان شماره یک دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه تجمع و اعتراض کردند.

در این روز پرستاران بیمارستان "امام رضا" در تبریز نیز در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات خود، مقابل ساختمان اداری این بیمارستان تجمع کردند. اعتراضات در میان پرستاران گسترده است و طبق گزارش منتشر شده از سوی شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران در اسفندماه در سی شهر این اعتراضات جریان داشت. مطالبات اعلام شده پرستاران عبارت‌اند از: لغو فوری اضافه‌کاری و شیفت‌های اجباری، پرداخت فوری تمام معوقات حقوقی و رفاهی، افزایش حقوقها متناسب با میزان واقعی نرخ تورم و رشد روزافزون آن باتوجه به خط فقر و افزایش نرخ دلار، دریافتی هیچ پرستاری نباید از کمتر از ۶۰ میلیون تومان باشد، برگشت به کار همکاران اخراجی و لغو تمام تویخ‌نامه‌ها و اخطارهای امنیتی.

روز ۲۸ اسفندماه جمعیت بزرگی از متقاضیان مسکن ملی در اعتراض به

اعتراض کارگران ارکان ثالث نفت و پرستاران به مصوبه مزدی حکومت، نشانگر سرآغاز دور گسترده‌تری از اعتراض بر سر معیشت در سطح سراسری است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ اسفند ۱۴۰۳، ۱۳ مارس ۲۰۲۵

دستمزد ده میلیون تومانی خیر سر مفت‌خوران سرمایه‌دار!

جمهوری اسلامی بالاخره به روال معمول حداقل دستمزد را تعیین کرد و آن مبلغی است که با احتساب تورم و بی‌ارزش شدن پول این کشور، کسری از دستمزد زیر خط فقر سال گذشته است. درحالی که کارگران فریاد می‌زنند که دستمزد چندین بار زیر خط فقر را نمی‌پذیریم، و خط فقر به بالای ۶۰ میلیون تومان رسیده حکومتی‌ها نشسته‌اند و با ریزنی با شوراهای منفور اسلامی تصمیم گرفته‌اند که ماهیانه ۱۰ میلیون و ۳۹۹ هزار تومان که یک‌ششم خط فقر است را مبنای تعیین دستمزد قرار دهند. تازه به شرطی که دزدان و اختلاسگران وقیح دستمزدها را بالا نکشند و کارگر مجبور نباشد شب‌وروز بجنگد تا همان دستمزد زیر خط فقر را از حلقومشان بیرون بکشد. دستمزد ۷ میلیونی سال گذشته معادل ۱۱۸ دلار بود و دستمزد ده‌میلیونی به اندازه ۱۱۳ دلار است. تازه این بر اساس نرخ امروز دلار است. سه روز دیگر ارزش آن از این هم کمتر خواهد شد. کارگران می‌گویند دستمزد کمتر از هزینه سبد معیشت جرم است و درحالی که سبد معیشت بر اساس دلار تعیین می‌شود، دستمزد ما نیز باید به موازات دلار افزایش یابد.

کارگر تمام نعمات و ثروت‌ها را تولید می‌کند؛ اما از نگاه سرمایه‌داران و حاکمین دزد و بی‌خاصیت حاکم، حتی حق ندارد نانی بخورونمیر نصیب ببرد. این وضعیت را کارگران و معلمان و پرستاران و بخش‌های کارکن و زحمت کش جامعه قبول نمی‌کنند. توجیهات تعیین چنین دستمزد وقیحانه‌ای این است که اقتصاد ککش بیشتر از این را ندارد و جواب کارگران این است که اقتصاد و دستمزدها خیر سرتان. ما می‌خواهیم زندگی کنیم و برای زندگی کردن به این دستمزدی که در واقع در حد خط مرگ است رضایت نخواهیم داد.

جمهوری اسلامی حکومت دزدان و اختلاسگران است. حکومت اسلامی حکومت اقتصاد به‌گل نشسته است. این حکومت کاری کرده است که جز یک درصد مفت‌خور سرمایه‌دار، کسی مزه رفاه و آرامش را نچشد.

ما کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان، و همه مردم زحمت کش باید متحدانه دست به کار شویم و با اعتراضات و تجمعات و اعتصاباتمان گوی مفت‌خوران سرمایه‌دار را بگیریم و حق و حقوق واقعی مان را از حلقومشان بیرون بکشیم. راهی جز متشکل شدن و اعتصابات سراسری و اعتراضات متحدانه و هماهنگ برای دفاع از زندگی نداریم. حداقل دستمزد باید بالاتر از خط فقر ۶۰ میلیونی یعنی حداقل ۷۰۰ دلار باشد و به نسبت تورم و افزایش قیمت دلار باید افزایش یابد. این ما نیستیم که باید تاوان اقتصاد ورشکسته را بدهیم. این ما نیستیم که باید هزینه نیروی سرکوب و نیروهای نیابتی و دستگاه دزدی و لفت‌ولیس آخوندها و هزینه زندان‌ها و سپاه و بسیجشان را بدهیم. ما با اعتصاب و توقف تولید می‌توانیم کل این سیستم ضدمردمی و فاسد و دزد و اختلاسگر را از کار بیندازیم. دست به کار شویم و اجازه ندهیم زندگی مان را بیش از این به فقر و تباهی بکشانند.

مقابله قاطعانه با تعرض حکومت و دستمزد چند بار زیر خط فقر بر ضرورت شکل دادن به شبکه‌های سراسری برای سازماندهی اعتصابات گسترده بیش از همیشه تأکید می‌گذارد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۷ اسفند ۱۴۰۳، ۱۷ مارس ۲۰۲۵

هم‌بندی‌های منوچهر فلاح و شریفه محمدی دوزندانی محکوم به اعدام، جلوی زندان لاگان باتوجه به برگزاری شصتمین هفته سه‌شنبه‌های نه به اعدام در زندان و در ۳۸ زندان دیگر جمع شدند و با برپاکردن سفره هفت‌سین، خواهان لغو اعدام این دو زندانی و سایر زندانیان محکوم به اعدام شدند.

در سقز مادر مهسا امینی این نماد انقلاب ژینا، ساعاتی پس از تحویل سال نو و به مناسبت نوروز، تصاویری از شادی و رقص مردم در جشن‌های نوروزی را منتشر کرد؛ تصاویری که تصویر دخترش نیز در میان آن‌ها نقش بسته بود. به مناسبت نوروز خانواده‌های دادخواه با رفتن بر سر مزار عزیزان جان‌باخته خود فریاد دادخواهی سر دادند. کارگران و بخش‌های مختلف معترض جامعه با پیام‌های نوروزی خود اولتیماتوم به اعتراضاتی گسترده‌تر دادند.

در تهران جشنی سراسری در محلات مختلف برپا شد. شماری از شهروندان مردم در مراسم چهارشنبه‌سوری در شهر زیبا، در محل زندگی حمیدرضا روحی، گرد آتش حلقه‌زده و آهنگ «قاف» را به یاد او هم‌خوانی کردند. در شهرک اکباتان نیز که یکی از کانون‌های تحرکات دختران و پسران علیه آپارتاید جنسی بوده است، نیز مردم با رقص و شادی و همخوانی ترانه «برای» در چهارشنبه‌سوری آزادی را فریاد زدند و به استقبال سال جدید رفتند.

روزهای پایان سال است و مردم در تهران و شهرهای مختلف کردستان و جنوب و مناطق دیگر با رقص مختلط زن و مرد و زیر پا له کردن بساط آپارتاید جنسیتی سالی پر از اعتراض برای رهای از جهنم جمهوری اسلامی را نوید می‌دهند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۰ اسفند ۱۴۰۳، ۲۰ مارس ۲۰۲۵

بیانیه ۳۰۰ نهاد و فعالین دفاع از حقوق زنان علیه بازداشت ۴ نفر از زنان شرکت‌کننده روز جهانی زن در سنندج

بیانیه جمعی از سازمان‌های حقوق بشری و نهادهای مدنی و دفاع از حقوق زنان علیه بازداشت زنان (باران ساعدی، سوما محمدزاده، سهیلا مطاعی و لیلا پاشایی) شرکت‌کننده مراسم روز جهانی زن در سنندج

یک روز پس از بزرگداشت مراسم روز جهانی زن نیروهای وزارت اطلاعات در سنندج با یورش به منزل و محل کار ۴ نفر از زنان شرکت‌کننده در این مراسم، باران ساعدی، سوما محمدزاده، لیلا پاشایی و سهیلا مطاعی اقدام به بازداشت آن‌ها نموده و خانواده‌ها با پیگیری‌های مداوم هنوز از محل دقیق نگهداری آنان بی‌خبر و از حق ملاقات محروم بوده‌اند.

عمده فعالیت این زنان در ارتباط با ممنوعیت کودک‌همسری، زن‌کشی و دفاع از حقوق زنان بوده است. فعالیت‌هایی که همگی جنبه حقوق بشری داشته است. حکومت اسلامی تلاش می‌کند ناپسامانی‌های اجتماعی، فقر اقتصادی و بن‌بست‌های سیاسی خود در منطقه و جهان را با اذیت و آزار، بازداشت و زندانی کردن زنان و مدافعان حقوق انسانی پاسخ دهد.

این سرکوب گسترده در واکنش به مراسم روز جهانی زن در سنندج، نشانه‌ای از سیاست و عملکرد سیستماتیک حاکمیت برای خاموش کردن صدای آزادی‌خواهی در جامعه است.

این در حالی است که بندهای ۱۳، ۱۹، ۲۰، ۲۱ و ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی، صراحتاً به برخورداری از این حقوق اشاره دارد؛ بنابراین بازداشت، تهدید و زندانی کردن شهروندان مدافع حقوق انسانی در تضاد با حقوق بنیادین و آزادی‌های مدنی و نقض آشکار حقوق بشر محسوب می‌شود.

اختلاس‌ها و تأخیر در اجرای پروژه‌های مسکن ملی مقابل اداره کل راه و شهرسازی استان قزوین تجمع کردند. این معترضین با سال‌ها تأخیر و بی‌پاسخ ماندن درخواست‌هایشان مواجه‌اند. بسیاری از متقاضیان مسکن ملی در قزوین از خانواده‌های کارگری هستند و ذخیره‌های پولی‌شان را به امید خانه‌دارشدن به یک‌مشت دلال حکومتی داده‌اند و اکنون به عدم تحویل مسکن وعده‌داده‌شده، اعتراض دارند. آنها در رابطه با این موضوع بارها مقابل نهادهای مختلف حکومتی تجمع کرده‌اند.

امروز همچنین کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام در شصتمین هفته در ۳۸ زندان کشور جریان یافت. اعضای این کارزار ضمن تریک سال نو بر ادامه اعتراضات علیه سرکوب‌ها و اعدام‌ها در ایران تأکید کردند.

روز گذشته بیست و هفتم اسفندماه کارگران رسمی شرکت نفت فلات قاره ایران منطقه عملیاتی لاوان، برای پیگیری مطالبات خود تجمع کردند. خواست‌های اعلام شده کارگران رسمی نفت عبارت‌اند از: حذف سقف حقوق، اصلاح کف حقوق برای کارگران جدید استخدام، عدم ادغام صندوق بازنشستگی نفت با سایر صندوق‌های ورشکسته، حذف کامل سقف بازنشستگی و پرداخت کامل سنوات، بازگرداندن مالیات‌های وضع شده، اجرای کامل مفاد ماده ۱۰ و پرداخت معوقات آن.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۸ اسفند ۱۴۰۳، ۱۸ مارس ۲۰۲۵

اعتراضات پرستاران ادامه دارد

-اعتراضات پرستاران بر سر خواست‌ها و مطالباتشان تا آخرین روزهای سال ۱۴۰۳ ادامه داشت. روز ۲۹ اسفند پرستاران و کادر درمان بیمارستان امام رضای تبریز بعد از یک هفته اعتصاب به خیابان آمدند و با راهپیمایی و شعاردادن پیگیر مطالباتشان شدند.

روزهای پایان سال است و مردم در تهران و شهرهای مختلف کردستان و جنوب و مناطق دیگر با رقص مختلط زن و مرد و زیر پا له کردن بساط آپارتاید جنسیتی سالی پر از اعتراض برای رهای از جهنم جمهوری اسلامی را نوید می‌دهند. در عین حال تا آخرین روزها اعتراضات بر سر معیشت و رفاه و علیه زندان و اعدام با گستردگی جریان دارد. مطالبات اعلام شده پرستاران عبارت‌اند از: لغو فوری اضافه‌کاری و شیفت‌های اجباری، پرداخت فوری تمام معوقات حقوقی و رفاهی، افزایش حقوقها متناسب با میزان واقعی نرخ تورم و رشد روزافزون آن باتوجه به خط فقر و افزایش نرخ دلار، دریافتی هیچ پرستاری نباید از کمتر از ۶۰ میلیون تومان باشد، برگشت به کار همکاران اخراجی و لغو تمام تویخ‌نامه‌ها و اخطارهای امنیتی.

از اعتراضات پرستاران وسیعاً حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۰ اسفند ۱۴۰۳، ۲۰ مارس ۲۰۲۵

جشن و شادی مردم علیه بساط آپارتاید جنسیتی حاکم نوروزتان خجسته باد

چهارشنبه‌سوری و نوروز امسال ویژه بود. مردم در چهارشنبه و نوروز در شهرها و مناطق مختلف با شادی و روشن کردن آتش و رقص مختلط زن و مرد بساط آپارتاید جنسیتی حکومت را به چالش کشیدند و فریاد زن زندگی آزادی را سر دادند. در چهارشنبه‌سوری در جاهایی طناب دار آتش زدند و فریاد نه به اعدام، زن زندگی آزادی سر دادند. از جمله در ایذه در زادگاه آرتین رحمانی از جان‌باختگان انقلاب جوانان آتش برپا کردند و به یاد او شعار مرگ بر خامنه‌ای سر دادند. در ارومیه نیز مردم با آتش‌زدن نمادین طناب دار و با شعارهایی "نه به اعدام"، "زنده‌باد آزادی و «زن، زندگی، آزادی» جشن گرفته شد.

در آستانه سال نو در رشت فعالان مدنی و صنفی و کارگری و

سوما محمدرضایی، فعال حقوق زنان اهل سمنان، دوشنبه ۲۰ اسفند ۱۴۰۳، با یورش مأموران اداره اطلاعات به محل کار وی در پاساژ الماس سمنان و بدون ارائه حکم قضایی وی را بازداشت کردند. سوما در رابطه با برگزاری و حضور در روز جهانی زنان، در سمنان بازداشت شده است. وی در چند سال گذشته بارها به دلیل فعالیت‌هایش توسط نهادهای امنیتی احضار و مورد تهدید قرار گرفته است.

سهیلا مطاعی، فعال حقوق زنان نیز پیش‌تر در جریان اعتراضات زن‌زندگی_آزادی، در تاریخ‌های ۹ مهر و ۲۱ آبان ۱۴۰۱، توسط نیروهای اطلاعاتی بازداشت و پس از چند هفته با قرار وثیقه آزاد شده بود. وی در تاریخ ۱۴ آذر ۱۴۰۱، توسط شعبه دوم دادگاه کیفری دهگلان به اتهام‌های «اخلال در نظم عمومی» به ۱۸ ماه حبس تعزیری، «فعالیت تبلیغی علیه نظام» به ۱۵ ماه حبس تعزیری، «تشویش اذهان عمومی از طریق نشر اکاذیب» به ۱۳ ماه حبس تعزیری، «تمرد علیه مأموران» به ۵ ماه حبس تعزیری و «تبلیغ به نفع گروهک‌ها و سازمان‌های معاند نظام» به ۹ ماه حبس تعزیری محکوم شده بود. وی در بهمن ۱۴۰۱ برای اجرای حکم حبس به بند زنان در کانون اصلاح و تربیت سمنان منتقل و پس از مدتی در جریان 'عفو' شماری از زندانیان سیاسی آزاد شد. سهیلا مطاعی در تاریخ ۳ بهمن ۱۴۰۳، همزمان با #اعتصاب_عمومی_کردستان در اعتراض به صدور احکام اعدام برای #پخش‌شان_عزیزی و #وریش‌مرادی، توسط نیروهای امنیتی به مدت چند ساعت بازداشت و پس از تشکیل پرونده قضایی، به‌صورت موقت آزاد شده بود.

از این‌رو ما به‌عنوان سازمان‌های حقوق بشری و نهادهای دفاع از حقوق زنان امضاکننده این بیانیه، ضمن محکومیت بازداشت و زندانی نمودن شرکت‌کنندگان در بزرگداشت روز جهانی زن در سمنان، صدای اعتراض آنان به زن‌کشی، کودک‌همسری، اعدام و فقر و گرانی گسترده در ایران هستیم.

از تمامی نهادهای حقوق بشری در سطح بین‌المللی می‌خواهیم که برای آزادی هر چه سریع‌تر دستگیرشدگان (باران ساعدی، سوما محمدرضایی، سهیلا مطاعی و لیلا پاشایی) اقدامات قانونی و اجرایی در رابطه با نقض حقوق بشر در ایران را در دستور کار خود قرار دهند.

۲۶ اسفند ۱۴۰۳، ۱۶ مارس ۲۰۲۵

دستگیرشدگان:

لیلا پاشایی، فعال حقوق زنان ساکن سمنان ۲۰ اسفند با یورش مأموران اداره اطلاعات این شهر در منزل خود بازداشت شد. فعالیت وی در ارتباط با احقاق حقوق زنان، مخالفت با کودک‌همسری و تلاش در جهت آگاهی‌رسانی و ضرورت لغو احکام اعدام بوده است. لیلا، پیش‌تر در نخستین روزهای اعتراضات #زن‌زندگی_آزادی در ۱ مهر ۱۴۰۱ در سمنان بازداشت و مدتی بعد با قرار وثیقه موقتاً آزاد شد.

باران ساعدی، فعال حقوق زنان ساکن سمنان، بامداد ۲۰ اسفند ۱۴۰۳ با یورش مأموران اداره اطلاعات این شهر و بدون وجود حکم قضایی، در منزل خود بازداشت شد. وی پیش‌تر در ۲۹ شهریور ۱۴۰۱ و در نخستین روزهای اعتراضات زن‌زندگی_آزادی بازداشت و پس از حدود ۲ ماه با قرار وثیقه آزاد شد.

اعدام شما را نجات نخواهد داد!

چهل سال است که مدام کشته‌اید و اعدام کرده‌اید. چهل سال است که عزیزان بسیاری را با بی‌رحمی از ما مردم گرفته‌اید. اما چه حاصلی جز فوران خشم ده‌ها میلیونی مردم داغ‌دیده و دادخواه را درو کردید؟ اعتراض و تجمع و اعتصابات از همه‌جا می‌جوشد. کارگران و پرستاران و دانشجویان و کشاورزان و دانش‌آموزان بیش‌ازپیش بر سر شما فریاد می‌زنند و تحقیرتان می‌کنند. گشت ارشادتان در برابر زنان جسور و آزاده دود شد. حجاب اجباری‌تان جلو چشمانتان زیر پا له شد. فریاد سرنگونی از همه‌جا حتی در درون زندان‌ها طنین‌انداز است. گسترده از قبل پیاپی می‌خیزیم! دست‌به‌دست هم می‌دهیم! ماشین اعدام را در هم می‌کوبیم و عزیزانمان را آزاد می‌کنیم و بر سر دست بلند می‌کنیم! زن‌زندگی آزادی! نابود باد حکومت اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران

از خوزستان چه خبر؟

اخبار هفته: واحد خوزستان کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۲۴ اسفند ۱۴۰۳ تا ۱ فروردین ۱۴۰۴

نوروزتان پیروز

جمعه ۱ فروردین

- بنا بر خبر دریافتی تعداد ۱۰۰ نفر از نیروهای تأمین نیرو، تأسیسات، سنگ شکن، عمران، موتوری و دیگر واحدهای شهرداری اعتراض خود را به عدم دریافت حقوق و عیدی آخر سال و تهدید به اخراج از کار توسط شهرداری، رسانه‌ای کردند. این کارگران در رابطه با مشکلات معیشتی و کاری خود تجمع کرده‌اند.

پنجشنبه ۳۰ اسفند

- ایمان خدیری زندانی سیاسی سابق و اهل ایذه امروز از بازداشتگاه اطلاعات سپاه اهواز به زندان آبادان منتقل شد. بنا بر اخبار منتشر شده و به نقل از وکیل وی او ساعت سه عصر روز چهاردهم اسفند توسط چهار خودروی شخصی در منزل خود در مسجد سلیمان بازداشت شده و بی خبری از وی موجب نگرانی خانواده شده بود.

چهارشنبه ۲۹ اسفند

- کارگران رسمی و بازنشستگان مناطق نفت خیز جنوب در اهواز در اعتراض به بدتر شدن وضع معیشتی خود تجمع و راهپیمایی کردند.

- جابر صخرآوی (صخرآوی) فعال سیاسی بعد از ۱۱ سال حبس در زندان‌های جمهوری اسلامی ایران، از زندان شیبان اهواز آزاد شد. آزادی وی را به او، به خانواده و همگان تبریک می‌گوییم. با اعتراضات گسترده سال ۱۴۰۴ را به سال باز کردن در زندان‌ها و رهایی از جهنم جمهوری اسلامی تبدیل کنیم.

سه‌شنبه ۲۸ اسفند

- شعبه ۲۱ دادگاه تجدیدنظر خوزستان حکم حبس امان جلالی نژاد معلم جوان هنر زاهدانی زندانی در اهواز را نقض کرد. جلالی نژاد پیش از به ۳ سال و شش ماه حبس محکوم و این حکم توسط او و وکیلش فرزانة زیلابی مورد اعتراض قرار گرفته بود. در ادامه پیگیری‌ها سرانجام احکام وی در شعبه بیست و یکم دادگاه تجدیدنظر اهواز نقض و از اتهامات وارده تبرئه شد. البته پرونده او در بخش اتهامات امنیتی در شعبه سوم دادگاه انقلاب اسلامی اهواز همچنان مفتوح است. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران ضمن گزارش این خبر اعتراض خود را نسبت به سرکوب و بازداشت فرهنگیان و کنش گران صنفی اعلام و خواستار خواهان آزادی همهٔ معلمان زندانی و مختومه شدن همهٔ پرونده‌ها علیه معلمان شده است.

- در چهارشنبه‌سوری امسال مردم در شهرهای بسیاری با شادی و روشن کردن آتش و رقص مختلط زن و مرد بساط آپار تاید جنسیتی حکومت را به چالش کشیدند. در جاهایی طناب دار آتش زدند و فریاد نه به اعدام، زن زندگی آزادی سر دادند. از جمله در روستای بیان در ایذه زادگاه آرتین رحمانی از جان‌باختگان انقلاب جوانان آتش بر پا کردند و به یاد او شعار مرگ بر خامنه‌ای سر دادند.

- بازنشستگان مخابرات در آخرین هفته از دوشنبه‌های اعتراضی خود در سال جاری در اعتراض به مشکلات معیشتی و علیه فقر و گرانی و اختلاسگری‌ها در چندین شهر از جمله در اهواز تجمع کردند.

یکشنبه ۲۶ اسفند

- بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد در اعتراض به فقر و گرانی و بی‌پاسخ ماندن مطالبات خود در چند شهر از جمله در شوش و اهواز تجمع و اعتراض کردند.

- بازنشستگان فولاد مثل هفته‌های گذشته برای پیگیری مطالبات خود و علیه بدتر شدن هر روزه وضع معیشتی خود و اختلاسگری‌های حاکم در

اهواز تجمع داشتند.

شنبه ۲۵ اسفند

- دادگاه انقلاب اهواز قرار بازداشت رضا حزیایوی، شاعر و فعال اجتماعی اهل اهواز را تمدید کرد. رضا حزیایوی در تاریخ ۱۹ آذر توسط نیروهای امنیتی در منزل شخصی خود در کوت عبدالله بازداشت شده بود و همچنان در زندان به سر می‌برد و در این مدت قرار بازداشت وی برای چندمین بار تمدید شده است.

جمعه ۲۴ اسفند

- ۹ نفر از زندانیان عقیدتی بند هشت زندان شیبان اهواز، از بیستم اسفندماه در اعتراض به شرایط نامناسب زندان و ادامه بازداشت خود، در اعتصاب غذا به سر می‌برند. اعتراض آنان که اکنون وارد پنجمین روز خود شده، به عدم دسترسی به مراقبت‌های پزشکی، شکنجه و بدرفتاری و بلاتکلیفی قضایی است. اسامی این زندانیان عبارت‌اند از: محمد مروانی، حسون دلفی، حسین سیلاوی، خلیل خسرچی، رضا معاوی، یونس غریبایوی، علی بروایه، نادر هلیچی (عموری) و هادی حیدری.

هادی حیدری، یکی از این زندانیان از بیماری سنگ کلیه خود رنج می‌برد و از درمان محروم است. نادر هلیچی (عموری)، زندانی عقیدتی اهل سنت از منطقه کوت عبدالله اهواز که سه ماه قبل دستگیر شده است، به دلیل وخامت حال جسمانی ناشی از اعتصاب غذا، روز ۲۳ اسفند، به بیمارستان «فاطمه الزهرا» منتقل شد. هم اکنون کارزاری از سوی شبکه جهانی دفاع از زندانی سیاسی و عقیدتی تحت عنوان "نگذارید قلبشان از تپش بازایستد" در اعتراض به محروم کردن زندانیان از دارو و درمان و قتل خاموش آنان، در جریان است. از این کارزار حمایت کنید. محروم کردن زندانی از دارو و درمان و خوراندن روان گردان به زندانیان بخشی از سیستم شکنجه و سرکوب حکومت در زندان‌هاست. با فریاد زندانی سیاسی آزاد باید گردد در مقابل این جنایت آشکار بایستیم.

- مردم اهواز به وضعیت کاملاً گل آلود، آب آشامیدنی اعتراض دارند و با انتشار عکس‌هایی از آن در مدیای اجتماعی صدای اعتراضشان را بلند کرده‌اند. کاربری در مدیای اجتماعی می‌نویسد "آب و برق رو برایمان مجانی نکردند هیچ، آب گران گلی برایمان می‌فرستند". آلودگی آب و بی‌آبی، قطع برق، هوای آلوده موضوعات اعتراض مردم در خوزستان و بسیاری از مناطق دیگر کشور است.

واحد خوزستان - کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۱ فروردین ۱۴۰۳، ۲۱ مارس ۲۰۲۵



اخبار خوزستان

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

مسئول فنی: سروناز سینایی

milad.rabei@gmail.com



انترناسیونال هر هفته شنبه‌ها

منتشر می‌شود



در همه‌جا سیستم سرمایه‌داری سیستم فقیر سازی مداوم کارگران است. کارگر در سیستم سرمایه‌داری مدام فقیرتر می‌شود. کارگر با کارش حداکثر هزینه زنده ماندنش را تأمین می‌کند. این یک حقیقت و یک واقعیت بسیار جدی در نظام سرمایه‌داری است که در سراسر جهان امروز قابل مشاهده است. رشد عظیم و باورنکردنی تکنولوژی و باور آوری کار که نسبت به قبل صدها برابر افزایش یافته یک‌دوره به بالا رفتن سهم کارگر از تولید نینجامیده است. مزد کارگر همه‌جا همچنان حداکثر در حدی است که کفاف زنده ماندن او و خانواده‌اش را می‌دهد. ساعات کارگران علی‌رغم جدال‌های بسیار همچنان عملاً بالاست. کارگران ظاهراً در اکثر کشورها هشت ساعت کار می‌کنند. این هم با جنگ و جدل‌های بسیار به صورت قانون در آمده. اما عملاً حتی در جوامع پیشرفته سرمایه‌داری کارگران برای اینکه کمی بهتر از حد بخورونمیر سهم ببرند مجبورند ده ساعت و دوازده ساعت و بیشتر در روز کار کنند. اضافه کاری جزء جدایی‌ناپذیری از سیستم کار کارگران است. (سرمایه داری را بشناسیم، کاظم نیکخواه)

یوتل‌ست

فرکانس ۱۱۳۸۷

افقی ۲۷۵۰۰

ترکمن عالم

(جهت یاهست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۲/۳

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

KANAL JADID
کانال جدید